

و منافع اضربش و آلمان بل ما به خطر مملکت
اطربش و حال که آلمان و اطربش عثمانی را مردی
می بیند دارای قوای بری و بحری صحیح که با
خود روس با اطمینان قلب میتواند مقاتلت کند
این است آعوش کشاده او را بطرف خود میخوانند
و عثمانی هم که چپه جامه پلنسی را با اطربش
و آلمان دیده بقا و حفظ مملکت خود را فعلاً در
انحداد با این دو مملکت می بیند این است که طرح
گفتگوی اتحاد تلافی را انداخته مشغول مذاکره
اند : ملاقاتهایی صدر اعظم عثمانی با وزیر امور
خارجہ اضربش در (مرین باد) برای ریختن اساس
همین اتحاد بود و انتشار خبر اتحاد نظامی (رومانی)
(که با اطربش و آلمان همقدم و هم مسلک است)
با عثمانی که بلغار را از هر تجاوز به عثمانی و وصول
کنت از روس از راه خشکی به بلغار باز میدارد
و وین بزرگ بمنظورات روس در بانکان وارد
می آورد از علامت بزرگ و مقدمه اتحاد عثمانی و اطربش
و آلمان شمرده میشود : این است که هر روز
اقسام اخبارات چنانکه از مقتضیات وقوع حوادث
بزرگ است در روزنامهها برآید : اگر این اتحاد
عثمانی با آلمان و اطربش انجام یابد (چنانکه تمام
قراین بر انجام آن مشعر است) کار بر فرانسه و
روس و اسکبسی سخت خواهد شد و تدبیر کار
اروپا بید قدرت آلمان خواهد افتاد : و از همین
یک اصل چه حرفها زاید و از این نهال پلنسیکی
چه شکوفه های رنگارنگ و نمرهای گوناگون
بهم رسد باید چشم و گوش بر آتیه داشت : خبریکه
مصمم توجه ما باید باشد این است که به بینیم سیاسيون
ایران در حفاظت این کشتی شکسته در طوفان
تلاطمی که در دایای پلنسیک عالم رو خواهد داد و
بالتبع کشتی شکسته ایران را بکشمکش خواهد انداخت
در چه فکر و تمهید اند ؟ از اینکه تازه بعد از
یک سال و چهار ماه در این خیال اند که (شش هزار
و شش صد) نفر بطرز قشون اروپا بهشت کرور
تومان مخارج انشاء الله ماشاء الله چشم شیطان کور
بپی شیطان شل برقرار و صد و بیست هزار قشون
قدیم ایران را به بیست و چهار هزار تنزل بدهند ()
درجه سیر خیالاتشان معلوم میشود !! دور نیست

ابرو و تبسم زربلب بخوانند : (هبت باد تنازع
میان گبر و یهود) (ز هر طرف که شود کشته سود
اسلام است : آن (بجها فلیان) مثل اینکه آقا
از خواندن این بیت قنح پورت آرتهر را کرده !!!
(ایران در سر دو راه بقا و حشمت)
(و فنا و ذلت ایستاده)
ای ایرانیان ارواح اجداد تان شجاع کیان
و دلبران ساسان که بجزار سال ملک ایران را با
شوکت و استقلال نگهداشته اند با چشم تر و لب برآز
نفرین بطرف شما نگران و از آتیه ایران لرزان و
هراسانده ! بیاید چنانکه مسکرم گفته و نوشته ام
ترجم بر تاریخ بزرگ ایران که زینت تواریخ عالم است
کنید ، یا اقلاً رحم بخود نمائید بترسید از روزیکه
بضرب نه تنگ قزاقان روس دست از مال و
عیال و شرف و دیانت و راحت شسته یا بعالم متواری
شده یا در خانه خود فلسکی و بندگی خارجه ها را
بکنید بخوانید تاریخ بلاندرا که چگونه اهالی انجارا
روسها بشکنجه ظلم و بی شرفی کشیده ملک بلاند را
از خون اولادش رنگین کردند : عبرت بگیرد از
مسلمانان قفقاز ! بیاید تا سه سال (بیشتر هم نمیکویم)
همت کنید اغراض شخصی و حسادت و بوالهوسی و
لفاطی را از خود دور کنید (یا اقلاً نذارید این صفات
را بعاریت نخواهید) دست اتحاد بهم داده دامن جد
و جهد بر کر همت زده بهدایت قائدان بر مفر تیز
هوش مطلع فکری بحال آتیه تدارکی برای قوه دفاعیه
خود کنید که در آشوبی که در آینده نزدیک برپا
خواهد شد ملک و جان خود را توانید حفظ کرد
و کشتی شکسته خود را در طوفانی که در پیش است
حفظ توانید نمود : و الا اگر من طایفه یهود و
اهل بلاند کر بر قتل و تخریب بکدیگر بسنه همین
غفلت و نفاق و خود برستی بکمال دیگر بسر برید
نه کاؤس ماند نه گودرز و خوس ما به الاختلاف
که ریاست و صدارت وزارت و وکیل بانسی بودن
حکمرانی و ایل و قبیله نروت و املاک است همه از
دستتان خواهد رفت جز شلاق و نه تنگ قزاق
روس چیزی نخواهید دید و چشید ! بخدا سه سال
کف نفس مدت زیادی نیست !
ایران باید تمام همش را در آن صرف کند که
قوه وای خود فوراً تحصیل کرده خویشتر را بتواند

داخل در مسلك باربكران پلتيك عالم نبايد تا در
كشكش هائيكه ناچار در آتیه نزديك روي خواهد
داد بنوايد خود و راي در تشكييل و تغييرات
اوضاع پلتيك عالم يا اقلا در پلتيك مشرق وسطی
داشته باشد كه حفظ آراي و استقلال خود نبايد
كه بدون قوه محال است او را در اين دايره راه
بدهند و صاحب رايش شماريد ! عثمانی اگر در
صدد تحصيل قوه فوزی بری و بحری نيامده بود
و كار را با شاء الله و انشاء الله گذرانده بود حال
عرصه را از شش جبهه بر او تنگ کرده مقدونيه
رفته و بالكان دول متحده شده بود و معبر آزاد
از (داردائل) برای روس مسلم صحبت تحویل پايخت
عثمانی به دمشق و شام بود و از انا بدارالفا !!
اگر ايران قوه نصابی بزرگ فوری راي خود
ايجاد كند (اگرچه به ترك مرخارج باشد) در
انقلاباتی كه بزودی پيش خواهد آمد استفاد های
بزرگ میتواند بايد و ما هر (گروپ) دول كه
صلاح خود را ببند ناسی ملحق میتواند بشود كه
آتیه خود را مسلم مدارد و سادت و راحت اندی
برای خود تحصيل بايد و الا در موضوع رقابت
مانده نتیجه جز متلاشی شدن و فنا و زوال نخواهد
برد محال بلاند و كوره خواهد افتاد كه در سر
هر يك دول بزرگ جنگهای عظيم کرده صدها ملینان
لیره صرف و صدها هزاران جان تلف کردند و
نتیجه رقابت در اولی منجر به تقسیم بین دول شد
و در دومی ملحق شدن مملكت دیگری گردید !!
چون در این موضوع رقابت در مقاله پلتيك سراجا
تحقیقات مفصل سافاً کرده ایم در اینجا بتكرار
می پردازیم !!

حالا دو راه صاف برای ايران باز و حاضر
است یکی بكسر بكعبه سعادت و تقا و عزت كیانی
هادی است دیگر رو بزوال و فنا و نرسماری !
حالا دیگر بنده بهمت ایرانیان است كه کدام را
اختیار كنند و يك روز عفت در اینوقت مایه ندامت
و بسرزدن قرنهای ایرانیان خواهد بود ! بیودن
طریق اول (چنانكه سه سال است در اوراق
مقدس جبل المتین و يكسال است در روزنامه های
طهران فریاد میزنیم) قوه نظامی قوه نظامی بلشكر
جلی بلشكر ملی است !! بیودن طریق دوم بهمان

سبك و وضعی است كه داريد دیگر هیچ تفسیری
لازم ندارد !!

ای روزنامه نگاران كه حارس و باینده افكار
ملت ایرانیه ابد عوض اینكه در هر تجاوزات خارجه
مقالهای جانسوز مینویسد و مثل بیوه زن شبون
می كنبید قرار گذارید هر روز در عنوان روزنامه هاتان
این چند سطر را بخط جلی بطبع آوريد و ملك
اروپا دار و ندار خود را اتصالاً در ازدياد واستحكام
قوه نظامی صرف کرده و تمام ملت قبول سربازی
هموده و برای دفاع استقلال ملكی و شرف ملی
خود جان در كف ایستاده اند و ملت ايران چه
میکند ! اگر ملت ايران طالب شرف و استقلال
است با مردانگی و تصمیم تمام زیرا المحه رفته
قبول سربازی كند و در حفظ استقلال ملك و شرف
ملی خود بكوشد و اگر طاب جرت زنی و راحت
يكدمه مملكت را مثل اهالی كره بدیگران بگذارد
نی جبهه زحمت خود و رنج دیگران را فراهم نیارد !
(یا برو همچون زمان روسی و بوئی پیش گیر)
(یا چومردان اندر آي و گوی درمیدان فكن)

واقعات بروجرده

(نقل از روزنامه مجلس)

(سلخ شعبان)

(وقایع نگار اداره كه در تمام جنگ حاضر
بوده بتاريخ ۱۹ شعبان چنین مینویسد
پس از ورود منتصرالدوله الوار تمام دهات
اطراف بروجرده را غارت کرده بودند كه در میان
پانصد ده چیزیكه دو قران ارزش داشته باشد یافت
نمیشد، بعد از ورود حكومت نظر علی خان آمد
برای خدمت و شفاعت لطیف خان صارم السلطه
كودرزی رئیس فوج سبلاخور حكومت بدیدن نظر
رفت و خواهشات او را قبول نمود، روز دهم شهر
شعبان نظر بسمت نهاوند حرکت نمود، صارم السلطه
هم اطمینان حاصل نمود بشهر آمد، خیانت صارم السلطه
این بود كه پس از مرخصی از طهران الوار را
حركت و تمام اعتشاش بروجرده و لرستان را فراهم
نمود، پس از ورود صارم السلطه به شهر حكومت
او را بدیوانت خانه خواست، برای اصلاح امورات
صارم السلطه بدارالحكومه آمد، حكومت صارم السلطه
و رادرش غلامعلی خان را توقیف نمود و فوج

سیلاخور را بسالار اکرم یار احمدی سپرد، این اتفاق روز دوازدهم شعبان افتاد

شب سیزدهم طایفه کودرزی از دهات چلیک فرستادند با سربازان سیلاخوری همدست شده بارک حکومت بریزند و صارم السلطنه و وادرش را خلاص نمایند، ساعت دو از شب گذشته یک مرتبه دور اداره امنیه را محاصره نمودند که رئیس امنیه مستاصل شود و استعلاص این دو نفر را از حکومت خواست نماید، پس از دو ساعت جنگ دیدند با اداره امنیه امکات ندارد طرف بشوند حمله بارک حکومت بردند، دور دیوانخانه را محاصره نمودند، آتش تا صبح جنگ سختی در شهر بود، صبح هرات اشراو جنگ ختم شد تلنات از طرف حکومت یکتفر فراش و از طرف اشراو معلوم نشد، ولی سده خون زیادی دیدم که در سنگر های اشراو ریخته بود عده اشراو سا و مذکور هرات و هشتصد نفر ولی عده حمیت حکومت فوج کنزاز فوج سرابند بجاه نفر سوار بختباری بجاه نفر سوار گارد امنیه صد و بجاه نفر پلیس نظمیه و تیر توب شرابند هم به سنگر اشراو شلیک شد

روز سیزدهم و شب چهاردهم شهر در نهایت امنیت بود چلیک بسیاری از طایفه یار احمدی و قاید رحمت و سکوند و دیرک وند آمدند تمام پشت بام های خانه های شهر را در روز سیزدهم سنگر نمودند، روز سیزدهم و شب چهاردهم ادا صدای تنگ نیامد، اذات صبح چهاردهم صارم السلطنه را از حب ریاست دنیا و استبداد زمان محمد علی فارغ نمودند، و بصرب شش گلوله او را کشتند، صبح چهاردهم بعض صارم السلطنه را فاصله صد قدم از در دیوانه در بیابان انداخته بودند، وقت این خبر به طایفه کودرزی و سرباز سیلاخوری وایل دیرکوند رسید، آت روز تپه خود را دیده روز پانزدهم شعبان یکمرتبه شهر را دو ساعت بطهر مانده محاصره نمودند، بلندهای اطراف شهر و تپه های اطراف را تمام تصرف نمودند و مشمول جنگ شدند، در هجدهم نقطه جنگ به عده الوار و کودرزیها مع سربازان سیلاخوری علی التحقیق متجاوز از

هزار نفر عده غیر نظامی حکومت سه هزار نفر از دو ساعت بظهر تا یک ساعت بفروب جنگ سختی شد که خود بنده با چشم دیدم، صف آرائی از دو طرف، از اردوی حکومت موزیک جنگ میزدند از تپه های بلندی که در تصرف اشراو بود صدای ساز و دهل میامد، مخصوصاً تپه چنارخرا که در دست غلامحسین خان عم و زاده صارم السلطنه بود خیلی نزدیک بشر در آنجا ساز جنگ و کرنا میزدند از اردو توب های شریل سنگر های آنها بسته شد تمام متواری شدند و سوار های حکومتی سنگر آنها را تصرف نمودند، یک ساعت بفروب تپه (جفا سرخر) را که غلامحسین خان رئیس کودرزیها در آنجا بود زور بمب و مارمچک تصرف نمودند

اما این مطلب فراموش نشود که از روزی که صارم السلطنه را دستگیر نمودند الوار آبهای شهر را قطع نمودند و هرکس از شهر بیرون میرفت کشته میشد و آسیاب ها بسته شد تمام خرمن های مردم را بغارت بردند این تا صبح پانزدهم است

عده تلنات از طرف الوار و اشراو از قرار مذکور یکصد و شصت نفر، زخمی بجاه نفر، ده نفرم دستگیر شدند، که از همان ساعت در وسط اردو به دار فنا رفتند.

عده تلنات از (طرف حکومت) دو اسب از اداره امنیه با دو سوار دائی شیخ علی خان، قاید رحمت هم که از خوانین بود از اردوی حکومت کشته شد، الحق در این جنگ سواران امنیه و سواران یار احمدی و توبچیان از اردو داد مردانگی را دادند چنین جنگی در ایران در این اواخر کمتر کسی یاد دارد عصر پانزدهم که الوار و اشراو فرار نمودند یک سره به نهاوند نزد نظر رفته که از او امداد گرفته مراجعت نمایند، نظر علی خان به یعقوب خان پسر صارم السلطنه تغیر نموده که من از دولت نمیتوانم برای خاطر شا صرف نظر نمایم، از من کاری ساخته نیست، حکومت هم حکم نمود سه آبادی کنار شهر را که مسمی به فیال و حاجی آباد برزرشکه هستند محض خاطر اینکه با الوار همدست بودند غارت نمایند، روز هفدهم سوار و قشنگی رای غارت این

اشرار در کوه ما متواری و شهر امن شد. غلام علی خان برادر ضارم السلطنه هم که در محبس حکومتی بود مرخص نمودند که در خانه موفق الدوله پیش کار مالیه حبس باشد که اگر چنانچه الوار دست از شراوت برداشتند مرخص شود و الا به وادرخود ملحق خواهد شد. روز هفتم هم آب‌های شهر را باز نمودند آسیاب‌ها بکار افتاد عبور مرور هم در اطراف شهر میشود

هدایت
دشتی سریع الترقی است

اگر اولیای امور محض توجیحات خود باین خطه گوهر را فرموده نواقعی که دارد تکمیل فرمایند بواسطه اندکی قابل میشود که هر ساله بالغ بر صد هزار تومان فایده بدوالت رساند

اگر رودخانه که دارد اصلاح شود (به هزار و پانصد تومان) سالی هر سالی سی هزار تومان است

اگر بمیزی کوه برمی بشود فوایدش لامه ولا یحصی است چرا برای آنکه دارای معادن خدا داد طبیعی از قبیل معدن مس، رنج، مومیا، بره، حلا، فیروزج و غیره است

سپاهان اروپ و سیره گاهیکه بسپاحت این کوه بر شکوه می‌آمده هیچ نمی‌ماند الا آنکه قیمه جانش خریدار بودند. برها شده بعضی اشیاء معدنی آن را رایگان رده سودها خورده اند

اگر توجه اولیای امور متوجه این سامان گوهر نشان شود از فواید و عوایدش بهره‌های وافیه بر میدارند، اگر بواقضش را زودتر تکمیل و محذوراتش را مرتفع دارند امنیت در داخله اش قایم سازند بسا فواید حاصل بینند، اگرچه از مساعی حقیقه یک نفر وطن خواه واقعی (جناب آقا سید مصطفی دشتی) تا یک درجه مردمش با بدایره امنیت و ترقی گذاشته نرسیده گشته‌اند، معذالک توجه اولیای امور لازم است ما حاصل قوام و دوام امنیت و تحصیل ثروت دشتی در این طایفه و مردم یا عدم رعایت از متذکرین این خطه توأم است

من تنها بر این عقیده بانی و قائم نزد هیچ منکری قابل الاسکار نیست هرذی‌حسی که جغرافیای آنجا را دیده زیاده بر این خاک تا بنانک را پندیده و بالاتر از این فوایدش بمیزان عقل و تجربه سنجیده

چه خوب است زودتر مطمح نظر و مطرح مذاکره ایران مداران گشته در صراط معالجه آیند و ما علینا الابللاغ (ملا علی‌الدشتی)

ایضا . کدخدایان دشتی از کله‌شان تراویده که حکومت دشتی را بتوجه یارتی گری از جمال خان خودشان تبدیل دهند. جمال‌خان در دیر و در صدد تشکیل اردوست که به (طاهری) حمله برده متمرکزی که او را متصرفند کیفر باید (علی)

واقعات جنوب

لارستان از همت سید حاجی‌بانا منعم است. تجار لاری طایفه یک هزار و دویست تومان مواجب برایش مقرر داشته‌اند تا ورود حکومت صحیح که لا اولی مأمور باشند. قافله جهرمی دیروز سلامت وارد شد. از قرار معلوم سیصد نفر تفکیکی زن دارد و معالاً اضراف لار منعم است. رئیس پست لار میرزا آقا بصرف شیراز رفت و بعداً یکبار از تجار لاری کار بستخانه را میکند. تارنیر پست وارد شود تمام پاکت دویست تیر میرسد گویا تیر از شیراز هنوز نرسند. اند

(بندر انگه)

فرد اسپانی که محبته با سیدو دو کربک لیکه وارد می‌نماید اولاً معاف است. ثانیاً مثل حوجه ترانشیب می‌شود. ثالثاً در ورقه دکلرش و ورقه ترانشیب مینویسند (با سیدوی انگلیس) گویا مأمورین و رؤساء کربک ابدأ در این خصوص مذاکره یارابورت به نوشهر نداده‌اند یا آنکه ورقه‌هاییکه میفرستند در نوشهر و طهران تقشیش نمیشود ابدأ مؤاخذه تا کنون نکرده‌اند. شاید اولیای امور با سیدو را جزو عمال خیال کرده‌اند. مأمورین در کال برحی دارند قطعه قطعه از خاک وطن عزیز خود را دودسته تسلیم خارجه می‌نمایند. هرگاه بنا شود (با سیدو) که تا نسکه تقریباً سی میل است کربک نداشته‌باشد. عنقریب در آنجا آبادی زیاد خواهد شد. و آنکه بکلی خراب با سیدو از روی خریطه‌های قدیم و جدید جزو خلیج فارس و هیچ رجوعی به عمانات ندارد (سر چشمه باید گرفتن به بیل)

جزیره سری

از قرار مسموع برق جزیره (سری) به

تحریرک اوقفاده، و رئیس کمرک لنگه با جہاز خراسان محض افراشتن بیرق رفته بود این مدبختی را ملاحظه فرمائید، که کتبات ۱۰ سال خدمت کرده (جزیره سری) و (جزیره فروز) را پیدا نمیکرد. مراجعت نمود، خیلی حای تاسف است که اغلب حامی گیرهای آنکه میروند و کتبان جہاز ما پیدا نمیکند، خیلی اسرار دارد که امیدوارم بزودی کشف شود، البته رئیس کمرک و اجوت به بوشهر داده است، گویا همان نقشه (جزیره بن موسی) در نظر است، که وقتی بیرق دولت ایران در آنجا زده شد، اعراب و تحریرک، و مدعی شدند و در کمال جسارت پائین آوردند، و حالا انگلیس و جرمن بر سر کلک و معدن آنجا مدتی است در گفتگو و زد و خورد میباشند که سر انجام آن معلوم نیست، این (جزیره سری) هم دارای کلک است و هم معادن دیگر سال گذشته از طرف ارشم نکران دو نفر آمدند، و از کلک و معادن دیگر (سری) نمونه بهره فرستادند و حال به همان نقشه (جزیره بن موسی) نسبت به آنجا حرکت می نمایند، باید دید که باز بگذارند بیرق افراشته شود یا خیر، لیکن هر چه رود تر اقدام نمایند بهتر است، فعلاً هم از طرف کمرک کماکان یکنفر تفنگچی در آنجا ساخلو هست (دویم) (جزیره شیخ) و (جزیره هندرابی) که معلوم نیست در سال چه عاید دولت میشود، امساله متابع صدف و مهره های آنجا را به آلمان منتاد هرار روپیه داده اند بطور تحقیق، آیا کسی هست سؤال کند (جزیره قبل) که در هر ساله فریب چند لک روپیه مروارید خرید و فروش میشود، آیا کمر خالی آنرا میدهند؟ آیا معلومست عایدی دولت از این جزیره مهم چیست؟ کدام را عرض کنیم هر کدام ملاحظه فرمائید، یک از یک بهتر است، لیکن افسوس که دولت از دخل آن محروم و متلاً را مشایخ میخورند

از قراریکه قاصد عباسی اظهار میداشت ششیم قبل میر برکت خان با شش تفنگچی در خیر دیده، گویا تفنگچی هارا شیخ مذکور خان همراهش فرستاده و در کمال راحت بطرف بلوچستان از راه خشکی میروند، در واقع حیف است چنین مرد

وطن خواهی را مجبوراً در تحت رقبت مسایه بیاورند هرگز اطاعت ایشان را نخواهد نمود
اراحیف در لنگه در خصوص انجمن بدی بسیار است محمداحمد بن اسحاق حکمی از حکمران گویا دارد، که حسب الامر وزارت داخله باید تجدید انتخاب شود و سواد آن را فرستاده بود، نزد شیخ احمد خان، جواب داده است چون نایب الحکومه نیامده مداخله در این امورات نمیکند، اعضا انجمن مدعی اند که انتخاب صحیح است و عموم تصدیق دارند و راضی میباشند،

مکتوب کرمان

چون بعد از رفتن جناب قوام الملک از کرمان بواسطه خرابی مرکز ادارات جدید استیلا و استیلای زیادی بهم رسانیده چنانچه اغلب اهالی بواسطه عدم دادخواه ناچار بپناه بقونسول خانها برده علاوه از آزادی مطلقه قواحت فاش عوام کالانعام نیز باعمال شدید و ارتکاب فجشاء مشغول در ماه مبارک رمضان علانیه بخوردن روزه و سایر منکرات حتی قتل نفوس تخری بهم رسانیده باندک رشوه خون ها پایمال می شد تبری و مرت عمومی از وضع جدید که این قبایح را موجود نموده زیاد است اخبار حکومت جناب سردار ظفر برای قومی فجاج و فلاح و بر طایفه رعب و خوف استیلا یافته تلنگرافاتی بمرکز نموده که اهالی از حکومت جدید وحشت دارند جناب سردار ظفر حکمران تلنگرافی خطاب بعامه و انجمن ایاتی نموده که عین آن دیلاً نگارش میشود

بعد از ورود جناب صارم الملک فرزند ایالت جلیده و گفتگو های مجلسی و دوستانه که این مداخل ها و اخذ عمل اولاً در حکومت مشروطه بی قانون تانیا وجوهات مال دولت است ثالثاً نظام نامه اساسی ایران هیچ خلاف شرعی را تجویز نه نموده

یکروز بعضی کبیرها با پلیس جناسعی از نسوان و مح رک شده که نسبت به یکنفر بختیاری تهمت زده که دست اندازی بزنها کرده و زنها در مسجد جامع خدمت علما تشکی نموده مردم را بشورند و بختیاری ها را با اهل شهر طرف نمایند این پوتیک بیشتر اسباب خرابی محرکین شد حکومت ناچار از گرفتن بعضی از متهمین

جویان شده جمی بختیاری سوار و بگرفتن آنها و تفرقه زنها مشغول و مردم متفرق شده بلکه اهالی نیز بمعاونت بختیاری و شکایت از ادارات حاضر شده این گفتگوها باعث گردید که نصرالسلطان معاون ایالت و معاون نظمی و رئیس کابینه و رئیس معارف و چند نفر از کبیرها در قونسلاخانه دولت انگلیس رفته متحصن شده هر قدر از انجمن ایالتی و ایالت جدید تکلیف بموم متحصنین و برگشتن بجای خود آنها شده ازی نه بخشید لهذا طرفین تلگرافات بمركز نموده ایالت جدید از سیم ایران و رؤسای ادارات از سیم انگلیس مشغول تلگراف اهالی شهر نیز تشکات زیاد نزد جناب صارم الملک از حرکات مستخدمین مشروطه نموده ایالت نیز در بازار امر نموده جار بزنند و مردم را بیابانها کنند که تمام ادارات محترم نظمی، امنیه، پلیس، عدلیه، تمام لازم احدی نباید بی احترامی نماید لکن اصلاح ادارات واجب است فقط به تغییر لباس و چیدمان نیز و صندلی و الفاظ نوظهور بندرول، بودجه، قاجاق، اندی کانتور، وغیره دولت ایران مشروطه نمی شود استعمال مسکرات و ارتکاب فحشاء و العیاذ بالله مرتکب قباچ شدن و رواج زنا - و خوردن روزه بی واهمه در بازار مسلمانان جایز نیست مرتکب مجازات سخت خواهد شد علی العجلاله شهر امن است بعضی که عمده را منشور و تبدیل بکلاه نموده بودند مجدد بلباس خود برگشته که درجه جهالت و تقلید و سنت عنصری بعضی اشخاص بلکه قاطبه ایرانی که جز افاغی مایه و بایه ندارند و خون و حس وطن پرستی در آنها نیست فقط هر ساعت به لباسی جلوه کرده گاهی مشروطه خواه زمانی رنگی دیگر معشوق حقیقی خود را که بول است میخواهند، و تمام مملو نفاق و در زیر هزار برده اغراض خود را بکار میبرند و اخبارات انتشار داده یارتی عمرورزید شده پاره در این انقلابات مایه میگیرند و حال آنکه یکنفر حاکم وطن پرست خدا شناس مشروطه خواه متدین قانع ممکن است و میتواند اگر بخواید تمام خطه کرمان و بلوچستان را در آنک زمان نوعی مرتب مامون صاحب فوج و قشون دارایی ادارات صحیح از عدلیه و امنیه و بلایه وغیره صاحب عصمت و عفت و دیانت نماید که از

تمام ایران زودتر و بهتر باشد تا ورود ایالت جدید چه اقتضا نماید، علی العجلاله تلگراف مزبور خیلی مبشر و همه را امیدوار می نماید مردم خارجه در صورت بودن قانون هیچوجه نمیتواند از حدود خود تخطی نمایند تمام کبج رفقاری از خود ما ها میباشد آنها به افاغی میخواهیم دولت های بزرگ همسایه را جلو گیری نایم کانه قحط الرجال است و خیالات امنای دولت از مرکز و پای تخت تجاوز نمی کند کار گذار سیاسی دان در هم چه سرحد معطی لازم است لامحاله از مساعدات و حقوق بر الدول واقف باشد در این دو سه ساله چه قدر مایه این ایالت از میان رفته ادارات این ایالت باید اول مختصر تانی صاحب حقوق عادلانه باشد در صورت نه بودن حقوق اگر ملائکه آسمان در کار باشد مسلم است خرج دارند دخل میخواهند عدلیه کرمان دیوان خانه موقتی است که قوام الملک احداث نمود جمی اعضاء آن را از اهالی شهر به تصویب انجمن ایالتی انتخاب نموده که میتوان گفت اگر علم کاملاً ندارد اشخاص محب متدین معتمد درست کار میباشد لکن رئیس آن که در دستگاه نظام السلطه فرانس بانی و چندی نیز نایب بندر عباس بوده قوام الملک ایشان را رئیس دیوان خانه یا عدلیه موقتی نموده اکنون بعد از تغییرات ریاست عدلیه مرکزیه یا قبل از آن حکم ریاست ایشان از مرکز رسیده و بعضی اعضاء جدید نیز موجود است از جمله یکنفر روضه خوان شیرازی از روضه خوانهایی صاحب لقب صدر المتکلمین که هنوز خود نگارنده بدیده فقط باید تحقیقات ایقه نموده واقع حال افراد این اداره را بشناسد بخصوص که میگویند احدی حق اعتراض بر این ارواح مقدسه ندارد اگر ابراردی دارد باید بمركز اخبار نماید و از آنطرف اغلب مردم این شهر میگویند عدلیه که مایه امید دو کرور مخلوق کرمان و بلوچستان و بلوکات است اگر فی الحقیقه باید شرایط آنچه را که در نظام نامهای هر شعبه و اذواق طبع شده دارا باشند که مسلم آنها فاقدان شرایط میباشد اقل آن این است که مدتی در عدلیه خدمت کرده باشند و دیگر آنکه همان وکلای معلوم الحال قدیم که مکرر خطوط و نوشتهجات جعلی

از بغل و جیب آنها کشیده در این اداره موجود و اسباب کار اگر بفضاحتی و قوه جبریه بگیرد و به بد باید کار کرد که لازم بخرج زیاد و اینهمه اطاق و اجزا و اعصاب است که باوجود دخل باز اغلب بی مواجب باشند و آدم بی مواجب اگر فرشته باشد رشوه میخورد پس هزار درجه دیوان خاهای قدیم برتری دارد که هم کم خرج و هم صحتی درمیان نه بوده منتهی آنوقت سؤال میکردید عرض و معروض کدام يك تمول دارند حلام این سؤال را می نمایند علی ای حال انتشاری داده اند که واردین جدید نیز تحصیل مدخولی نموده بعضی میگویند حق بعضی ناحق هنوز صدق و کذب و قدر و مقدار و موضوع و محل را نمیدانند چیزی که خلاصه همه این عرایض است این است که اگر این ادارات جدید کلیه بر نحو صحت و درستی با حقوق مکتوب بصورت اقتصاد با قوانین موجوده دایر باشد البته اسباب یکسختی و آسایش عمومی و استقلال ملی و حفظ شرف ما خواهد بود

صورت تلگراف ایالت جلیله

(از اصفهان به کرمان)

خدمت امنای محترم انجمن ایالتی ادام الله توفیقاً هم از فرار معلوم از آمدن من بصوب کرمان بعضی ادارات و مردم خیالشان منسوب چنین گمان کردند که مثل سایر حکام بطمع مال مردم و خیانم باحرای هوای نفس است محض رفع اشتباه ازوما خاطر اعضای انجمن محترم را باین نکته جلب مینماید کسیکه از ریختن خون حیوانات و اتلاف اموال خود در پیشرفت و تاسیس این اساس مقدس مضایقه نکند و تحمل هرگونه خسارت و زحمت برای اجرای این نیت بنماید چگونه میتوان تصور نمود چنین شخصی برخلاف قانون مملکت قدسی بردارد مگر کسیکه شخصاً مبل دارد و ریاست و قدرت و استطاعت نداشته باشد تا بهره مبل دارد رفتار نماید و انگهی مثل حساب قوام انک نیستم که بحقیقت یا نهمت از همه حاهد تیر ملامت نمایند یا انقدر ملایم رفتارکنم که کول و بازیچه دیگران شوم البته ان انجمن محترم حاضر کلیه ادارات و اهالی را باین نکته دقیق مسبق خواهند فرمود و بموم اعلام خواهند داشت که هر کس در ادای تکالیف خود قصور نموده از دایره قانون تحطی و بهوای نفس رفتار

نمود بحکم قانون باسبوت در محاکم جلیله بسزا و کثیر اعمالش خواهم رسانید و هر کس اعمالش بر طبق قانون و نجات باشد و از تکلیف مدیه خود خارج نشود برادر و اهل وطن است و عموم اهالی کرمان را محسن سلوک و مهربانهای خود امیدوار دانسته نوید هجدهم بدیسی است با این جان فشانی ها که ایل بختیاری عموماً و اولاد مرحوم حسین قلی خان ایلخانی خصوصاً که در تحصیل شرف و نیکنامی تاریخی نموده اند طوری رفتار خواهند نمود که موجب انزجار قلوب و مخالفت این اساس مقدس باشد شاهد این ادعا اینکه اولاد ای دولت برای کرمان جیره و علیق دو بیست سوار معین فرموده اند و حال آنکه سیصد سوار بهرامی فرزندی صادم الملك اعزاز داشته اقل سیصد سوار هم با خودم حرکت خواهد نمود که بلحاظ امنای انجمن محترم خواهد رسید و این چهار صد سوار اضافه را باید از خود تحمل جیره و علیق تمام و این نیست مگر برای بروز خدمات خاصانه خود در تقویت این اساس مشروع مقدس یقین است تا ورود این جانب عموم ادارات و نایب الایاله در کمال درستی و حسن سلوک رفتار خواهند نمود و انشاء الله بیست و بیجم شعبان بطور حتم حرکت خواهم نمود

بوشهر

در زمان غیبت حکمران بیابت حکومت اسماً بشیخ ناصر خان محول گردیده ولی جمیع کارها رسماً واجبه بکلانتر آقا عبدالرسول میباشد . امنیت صوری حاصل است یعنی محرکی نیست که آشوبی برپا شود همچنانکه اهالی از جمیع مزایای ترقی و مراتب مدنیت مایوس هستند نهلاً در مضیق بی علمی و سختی یگوشتی مبتلا میباشند . نه اهالی شهر حسن ادراک و جرئت اعتراض دارند و نه انجمنی هست که جلوگیری نماید . هر نوع پیش آید قانع و حضرت حکمرانرا بملاحظه پاس حقوق رعیت کنی شاگرد .

نظمیه بوشهر عبارت است از چهل نفر پلیس شهری بی رئیس و بی دستور روزها مشغول تحصیل و خدمات شخصی شها مشغول عربده کشی و آوازه خوانی در کوچها میباشند .

انجمن بلدیّه فقط تا بحال یکمرتبه شهر را رونق

ولی غالب خاکسروها ما جوقه جوقه که بکپه در

کوجبها باقی عدم پیشرفت آنها مانا قلت مالیه است ، عوارض بلدی که قوه و محرک چرخهای اعمال بلدی است در دست حکومت وکلانتر است اگرچه حکومت تکلیف رجوع عوارض شهری بدادن سالی هفت هزار و پانصد تومان بانجمن بلدی نمود لکن غالب اعضاء نظر بملاحظات بی حساب قبول نمودند .

جهاز دواتی موسوم به (آدر باعجان) چند نفر رئیس و اجزاء برای بندر (لاور) که یکی از نادر دشت است برده بود بعد از آنکه اجزاء با عمه جهاز یابین میروید یکی از رؤساء موسوم به زاپر محمد که سابقاً موجب خور اداره بود وبواسطه خیانات موجب او را بریده بودند حکم گرفتن آنها را صادر و بعد از آنکه چند روز آنها را حبس نموده به تهدید داع نمودن مبلغ معتابه از ایشان مطالبه میکند ، بعد از انماس و الحاح بسیار راسی میشوند که هرچه دارند از سینه و البته ذخیره و غیره انضمام قدری وجه اداره و جمیع اسباب اداره تسلیم نمایند تا مستخلص شوند ، مشاراً اہم خواہشات ایشان را از ترس جان مع شنی زائد تقدیم نموده غرض شوال مصفر و منصور مراحمیت نمودند (ذلك برحمتہ من ربك الحکومہ) - این نتیجه ی کنایاتی حکومت . این است ثمره سلطوت و شوکت حضرت جنرال پیردار ماهیت ، این است لذت رشوت گرفتن ، این است معنی حکومت نمودن - جنم کارگذاران کرک که حامی و شریک اعمال حکومتند روشن - عن قریب بش رین هام خواهند دید و از بدتر باید رسید -

آری اگر در عمل بندر (عموی) به اداره کرک بخربك حکومت عمل نباشد ریشه خود نموده بود اگر جداً از حساب دریا یکی گرفتاری رئیس علی دلباری را خواسته بود امروز سایر اشرف مرتکب چنین اقدامی میشدند ، در این مدت بیست سال اخیره که نگارنده اضلاع دارد حکومتی به بیوجودی و بی کفایتی معززالدوله بوشهر نیامده و هیچوقت دولت هم به بیقوه و بی اقتداری آوقت نبوده ، مع هذا هیچ يك از قبیل رئیس علی و زاپر محمد جرئت خیال ارتکاب این باغی گری بردولت نداشتند و این اندازه عمل قاجاق رواج بداشت ، پس در این حکومت سرداری اگر بی عمل و اشاره اجزاء حکومت نبود اگر از بی اعتنائی حکومت نبود چگونه این واقعات ناگوار رخ می نمود اولیاء امور و کابینه وزراء و هیئت وکلاء آگاه باشند تا حکومت بنادر راجع باین دستگاه حالیه است روز بروز حال بنادر بدتر و آشوب بیشتر و نفوذ اجانب سربرتر و بی مبالائی

رؤساء ادارات فراوان تر خواهد شد ، آیا این واقعات جنگها و سرکشهای بی دربی در این بکساله بدون هیچ مقدمه موجب حصول تجربه برای اولیاء دولت نشده است ؟ آیا اعوان محمد علی میرزا در جنوب کار میکنند ؟ آیا بولسای همسایه شمالی در جنوب بخربك میکنند ؟ آیا حمایت نمودن اداره استبداد باعث شده است که در عوض بکمال دو مرتبه تنگناشیم - باغی شوند و لشکر کشی شوده بکمر تبه در علیه جنگ واقع شد دو مرتبه جاه بهار مفتوش گردید ، یک مرتبه لشکر مورد تهاجم سه مرتبه عباسی در معرض تدافع بیاید ، اینک هم در میناب آتش جنگ و همر که برپا گردد ، نه والله نه والله ، تمام این حوادث به بخربك انامل حکومت بوده که از احدی الحضر خرج نکرد یعنی جمیع مطالبات را خرج اردو کشی قلم دهد و هم از طرفین بلکه از اطراف مدخول تنگت نماید معلوم است ، سیاست ، بیک ، علوم جنگ و حدال نباید به صرف مشیبات حسانی شود ، باید صورت خارجی پیدا نماید ، باید از قوه به فعل آید ، باید تلافی خسارات و پیشکشها و رشوه های نامشروع گردد (جاه کوتاه)

رعایای چاکوتاه (بلوکی است در مشرقی بوشهر) از صل و احدی شیخ حسین خان بستوه آمده شب هنگام آنه (فیروا فی الارض) خوانده يك مرتبه دست اهل و عیال خود گرفته ماشیاء قابل الاقبال فرار نموده ، بامدادان چون شیخ حسین ملتفت شده تمام جهای ایشان را آتش زده است

بندر عباس

از واقعات سیاسی و تهرب اموال حوالی و صورت تذکراتیکه بهسهران بخاربه شده بود خاخر مبارك مستحضر است حاله جوانهاییکه از طهران رسیده است از نماز خدمت میشود ، اخذ اذات اصطنحه جات تازه که قابل عرض شد بست ، بدآ بواسطه رفتن سارقین از حوالی عباسی فرید ثروت شدم ارکی شنبه میشود ، هرگاه باز دست دیگر پیدا شود اگرچه به اهالی بی چاره بی صاحب چیزی مانا نماید است باز هم در کتک خوردن و کتک شدن و رفتن باوس از دستشان حاضرند چرا که صاحب ندارند ، هرگاه این مشت رعیت ملک بدست دشمنان داشته فکری بحال شان کرده بودا ، در حال حوالی منحصر بامسال بدست حاکمان بدست است که اتصالاً هنگام زمستان نارت و جیران میشود ، هرگاه اولیای امور بخوانند مسلک خود را تغییر ندهند مثل سابق مملکت فارس را بدون حکومت و بنادر را بدون استمداد نگاهداری فرمانند بطور یقین ماند فایحه ابران را خواهند

هزار تومان مال مردم بیجا برد این دستگاہ زیاد نیست علاوه بر اینها هم دانسته باشید که آن بیچاره طایفه زردشتی که بعد از مدت بقصد زیارت وطن آبا و اجدادشان ترك از راحت هندوستان نموده میخواهند چند صباحی در وطن اصلی خود رحل اقامت اندازند حالا باید با هزار ناامیدی از ما بملك ذبیوی دست شسته دوباره بهندوستان مراجعت نمایند

تلكراف از بندر عباس بطهران
آقای رئیس الوزرا - تلكراف مبارك نامی حكومت بنادر زیارت سه سال اخیر بواسطه بی نظمی و بی حكومتی فارس اتصالاً عباسی توابع میدان تاخت و تاز عشر فارس شد از همتی ساقط شدیم علاج فوری منحصر بدو چیز است، یکی اجازه گرفتن بآنصد نفر تفنگچی و دیگری که سهل تر است جزو کردن به عباسی (فین) و (گهره) راه بواسطه دوردستی از مرکز فارس ابدأ تمکین ندارند علاوه بر این خودشان هم راه نامی اشراوند مالیات هم نمیدهند چنانچه جزو عباسی شوند در بستان بجاه نفر تفنگچی کافی است که دهنه تنگ زاخ و سایر دهنه ها مستحفظ گذارند شود، عباسی توابع عبور قوافل میشود مالیات (فین و گهره) هم وصول میشود. ۲۰۰ تفنگچی کمتر از مای هزار هشتصد تومان نمیشود برای ساختن برج در شش دهنه هزار بانصد تومان لازم است، چندی انجمن بلدی تعطیل بود حال مفتوح است این بر آورد در انجمن با حضور اهالی و دریا یکی نمودیم در صورتیکه فارس هم منظم شود این دو اقدام لازم است استدعا عاجلاً اجازه فرماید و الا گذشته از همه چیز مملکت در خطر است

انجمن بلدی عموم اعیان جاکر احمد
از طهران به بندر عباس
جناب جلال‌الآب اجل آقای دریا یکی حکمران بنادر فارس زید مجده - هیچ انتظار نداشتم با بودن مثل شما خدمتگذاری بدولت در آنجا از بندر عباس تلكراف رسد که نصف عباسی بدست سارقین افتاده مال و جان اهالی در معرض تلف است صریحاً میگویم که در این اتفاقات دولت شخص شما را مسئول حفظ نظم و جلوگیری از اشراوند در آنجا میداند و مخارج تفنگچی هم برای همین ملاحظات بشما داده میشود، در همچو موقعی هر قدر لازم میباشد تفنگچی حاضر کرده انظامات آنجا را حفظ و حراست نماید بافرض اگر هم مدیر گمرک همراهی نکند باید فوری بوزارت داخله و مالیه اطلاع داده مساعدت بخواهید، بهر حال بگمرک نوشتند مساعدت لازم با شما بکنند و هر خلاف نظمی پیش آید شخص شما را مسئول خواهم دانست (حسن ابن یوسف)

طایفه (بهارلو) تاسرکوبی نه بینند و چند نفر از خوانین شان اسیر و زور زنجیر نیانند ترك افعال نا شایسته نخواهند کرد، ولایت سرخوان و عیسین که قریب بعباسی است علاوه از اینکه تمام مایملک اهالی را غارت نموده اند دست درازی به ناموس آن بیچاره ها هم شده است

(سورد) که تقریباً يك ميل تا عباسی مصافت دارد علاوه بر هب اموال و اسباب قیمتی و حریق بیوتات سه نفر ضعیف را مقتول نموده اند که سبب قتل آن بیچاره ها را خطا میدانند، مختصراً هر چه از خرابی آن گروه عرض شود يك از هزار بگفته

این هفته قاصد لار هنوز وارد نشده است لکن قاصد مخصوص بجهة تجار عباسی از لار رسید که هرگاه مال التجاره حل نموده اند کرایه مکاری داده و مال التجاره را در عباسی نگاه دارند، قافله شتری و الاعی از یزد به کرمان رسیده است از قرار اظهارات ایشان از یزد الی ده فرسنگی به عباسی در کمال انتظام بوده، آنچه نا امنی است در حوالی عباسی است که مملکت بی صاحب میباشد، نه اینکه اولیای امور در فکر این بندر مهم نیستند بلکه خود اهالی هم به اندازه بی فکر میباشدند که قالب بدون حس اند، چیزی که در عباسی موجود است خود غرضی و نفاق و تابع بولتیک همسایه و باشاره آنها رقصیدن است

از جمله کسانی که غارت گردیده اند ملا خدا مراد رئیس تجارتخانه جهانباب در عباسی و آقا دستور ۲۰۰ نفر دیگر از طایفه زردشتی که بعد از مدت مدید از بمبئی عازم یزد بودند، بعضی ها که ابدأ تا کنون ایران را ندیده فقط بجهاد حب وطن در اینوقع از بمبئی عازم عباسی و از عباسی بطرف یزد حرکت نمودند، علاوه از تمام هستی و اموال ایشان که غارت نموده بودند حق از لباسهای تن ایشان هم صرف نظر نکرده آن بیچاره ها را تحت مادوزاد کردند علاوه کتک هم در کار بوده، رؤسای سارقین یکی ثلی قلی خان پسر حسین خان و نصرالله خان و ابوالقاسم خان و آقا اسماعیل بهارلو بودند این رؤسا در همانجا یکی این بیچاره ها را تحت می نموده اند خودشان اظهار داشته که ما دزد نیستیم احکامات اکید بوسر ما صادر که حوالی عباسی حتی خود شهر عباسی را غارت نمائیم، هر چه از اذیت و صدمه که باین بیچاره ها وارد آورده اند بعرض برسام عشری از اعشار است، عدده سارقین از سواره و پیاده قریب ۲۰۰۰ نفر بوده رؤسای سارقین تمام با دستگاہ ملوکانه و قبل منقل و خوابگاه تمام اسباب قهوه خانه از ساور و غیره نقره - بلی چرا نباشد کسی که يك نفر در مرض ۱۰ روز دو بستان بجا

(ایضاً)

جناب جلال‌آباد اجل آقای دریاپکی حکمران بنادر فارس زید مجدده قبل از وصول تلگراف شاه بوزارت داخله تلگرافی بامضای اهالی رسیده بود و شرحی تلگراف بشما کرده حاکم از اظهارات خودتان منتظر شدم جواباً مینویسم که از مساعدت لازم در باره شما مضایقه نخواهد شد تا مساعدت بمواقع لازمه شد که تهیه نواقص کار شما را زودتر بکنند شما طوری باید تفکری واستعداد محلی حاضر کرده انتعمات حوزه حکومت خودتان را حفظ نماید که دولت فقط شما را در تنظیم آنجا مسؤول میداند ادلاع بدهید که فعلاً چه قدر استعداد حاضر دارید وجه قدر استعداد دیگر میخواهید و محارج آن از چه قرار است

(حسن ابن یوسف)

یک از رموز دانان مینویسد

هفته گذشته مبنای اغتشاشات جنوب را نوشتیم ولی چنان تصور نشود که کلیه تصور بر دیگران وارد تواند آمد مملکت جنوب که ازین سر تا آن سرش که دو برابر مملکت فراسه است از ابتدای انقلاب اخیر تا کنون بی حکومت مانده ما آن هم جسمی‌های مرکز و ریشه دوانی فساد که با هم انقلاب و اعتدال نانی از اعراض شخصی است و همچنی عشایر و رؤسای جنوب و عدم اعتدالی حکومت مرکزی بجنوب بهتر ازین نتیجه نخواهد داد ما نمیکوئیم که دستهای خارجی در اغتشاشات جنوب بیست بلکه تسلیم داریم که چندین دولت در جنوب دارند آتش فتنه را دامن میزنند و امراء و رؤساء و دانش جنوب هم هر يك خود را بیکی از آنها بسته از باریهای مرکز هم آنچه باید به آنها تقویت شود کوتاهی نمی‌کنند ولی باید دانست که در موقع انقلابات در هر ملت و مملکت خارجیان برای پیشرفت مقاصد خودشان آتش فتنه را دامن زده اند و طیفه نولت است که دفع فتنه انگیزان داخلی و خارجی نباید در هر مملکت که بنا باشد امورات ملکی به طبیعت واگذار شود بهتر ازین میشود § ایران عبارت از طهران نیست و همینکه طهران امن شد نمی‌توان گفت تمام ایران امن است - هیچ بجه هم تصور نمیکند که چرا ظفر السلطنه با آن استعداد دست بروی دست گذارده مملکت فارس را بآن اغتشاش انداخت و چرا از رؤسای بهارلو و غیره مواخذه نمیشود؟ چرا ایالت کرمان و بلوچستان را بدون حاکم گذارده‌اند؟ چرا دریاپکی که بالا ساله محرك جمیع اغتشاشات بنادر خلیج فارس است غیر مشغول مانده اینها نیست مگر از بار تیازمی

مرکز که بمخیالات پلذیکی میخواهند بذریعه اغتشاشات جنوب و خصم شخصی خود جیره شوند - تمام این اغتشاشات خود آورد و مبنی بر اغراض شخصی و اشارات پلذیکی خودی و بیگانه است

معلوم است در چنین موقی مسایبان هم در پیش نمودن چنان یاد داشت ما کوتاهی نخواهند نمود و اگر باز هم کابینه که خود را به فعالیت نامزد نموده در معاملات جنوب آتش دست اغراض دیگران گردیده اتوات سیم تلگراف را کافی بداند و این جزئی مهلت را که قیمتش استقلال ایران است بر ایگان بدهد از دست دو تاویج آینده خویشتر را به زشت ترین مای ضرب المثل خواهد نمود - فقط بفرستادن استعداد اغتشاش جنوب رفع میشود - باید دست هایکه در طهران بسته و محرك اغتشاشات جنوب است قطع کرد - و کسانیکه دعوی وطن خواهی و قانڈیت مشروطیت را مبنایند از همجسمی باز داشت و بالمساوات از عشایر و ایلات ایران که محرك شان امروزه همجسمی است تشکیل قوای دولتی داد و ورنه ولوم فرستادن استعداد در جنوب امنیت قائم شود موفق خواهد بود تمنای ما پیش از کابینه در امنیت جنوب از جنابان سردار اسعد و سردار عشایر است که هرگاه اندک بر اراض ما عور فرمایند خواهند دید که هرگاه رقابت کنار نگذارده و خویشتر را قائد حقیقی مشروطیت سازند آن نام تاریخی که حاصل نموده اند برای ایشان باقی نتواند ماند

من چون استقلال ایران را در خطر می بینم حالا دیگر ابدأ جائز نمی‌شمارم که مسئله اهم جنوب سر پوشیده ماند ، امروز باید کف نفس فرموده اغتشاشات جنورا بترك رقابتهای رؤسای ایلات و عشایر و وحدیات وطن برستی رفع فرمایند - ورنه بر حسب اطلاعاتی که ما داریم کار رنگ دیگر خواهد گرفت

بایکات امتعه روس در ایران

وقایع نگار (اندین دیلی تلگراف) مینویسد که عاقبت ایرانیان مجبوراً ترك استعمال امتعه روس را نمودند چه دولت روس بپهچوجه اراده عودت قشون خود را ظاهر نکرده - ملتبان بدواً ترك استعمال افشه یشمی و بنه روس را نموده بودند که در ایران بیشتر از سایر امتعه بفروش میرسد لز این رو کارخانه جات روس نقصان زیاد دیده مع ذلك دولت روس اعتنا نکرد - بالآخره ایرانیان ترك استعمال نفت و قند و شکر روس را نمودند ایرانیان کمال تنفر را از روسیان اظهار میدارند - و کلاهی کارخانجات آلمان دسته دست در ایران منتشر شده و ایرانیان هم گونه اشیاء و امتمه آلمانی را خرید میکنند -

تلگرافات روتر واجع به ایران

(۲۱ اکتوبر - ۲۰ شوال)

بنا بر موجب اطلاعی که مخبر روتر یافته است پس از یافتن یادداشت، دولت ایران با بانک شاهنشاهی گشتگوی استقراض يك ملیون و دوست و بجهاد هزار ایرا بسود صدی پنج نموده، از این مبلغ حصه از قروض اولیه بانک داده خواهد شد، و تبقیه در اصلاحات ادارات دولتی و امنیت راه جنوب صرف خواهد کردید

(۲۵ اکتوبر - ۲۱ شوال)

بنا بر روتر از اسلامبول خبر میدهد که ایرانیان اسلامبول مجلسی بزرگ تشکیل داده که بسیاری از جوانان ترك و اعضای پارلمان عثمانی هم شامل بوده پس از بطق های بدیع در علیه دولت انگلیس و عدم خلوص نیت او با تفاق آراء قرار بر این شد که تلگرافی با امپراطور آلمان نموده که از ایشان بخواهند که در تقسیم ایران ایرانیان را مدد فرمایند

بنا بر روتر از برلن خبر میدهد که ادارات رسمی آلمان آرام و ساکت و معلوم نمی شود که در معاملات ایران دخالت نمایند

(۲۶ اکتوبر - ۲۲ شوال)

بنا بر روتر از طهران خبر میدهد که دولت ایران گویا منظور نماید اگر دولت روس قشون خود را حرج کند اجازه دهد که بدون ادای رسوم دولتی بین جلفا و تبریز اوتوموبیل های روسی او جاری ماند و بعید نیست که مراعات های دیگر هم در حق روس بشود

بنا بر روزنامه ضمن مینویسد که دولت ایران در جواب یادداشت خود بهیچوجه اغتشاش جنوب را تسلیم نموده ازین رو میگوید که دولت انگلیس مشکل است قبول نماید زرنگی دولت ایران را در ازدیاد صدی ده گمرکات

بنا بر روتر از برلن خبر یافته است که ادارات رسمی آلمان از تلگراف اسلامبول که طرف غالب ایرانیان بوده اظهار بی اطلاعی می نمایند

حبل المتین

چون از مواد استقراض جدید مسبوق نیستیم نظریات خودمان را محفوظ داشته همین قدر میگوئیم که سود این قرضه زیاد بست و از قرائن چنان مستفاد میشود که دولتی هم میباشد (یعنی طرف بانک شاهنشاهی است نه دولت انگلیس) ازین رو میتوانیم امید نمود

که شرایطش خارج از مواد بلتیک باشد. فقط حرف بر این است که باید ملت ترك اعتماد های سابق را نموده با کمال اعتمادی که به کابینه خود دارند نگرانی نامه در وجوه این استقراض کرده کوشش نماید که به مصارف الامم قلام صرف شده تا عاقبت مورث ندامت و هیاهو و گریه و زاری جراید نگردد.

ایرانیان اسلامبول از هیجان مقدس ملی خود عالی را منوجه ساخته روتر را به تکاپو انداخته اند. دو تلگرافی را که روتر در بخوضوع اشاعه داده توضیح واضحات و فقط برای کم نمودن اثر تلگراف ایرانیان اسلامبول میباشد. ورنه ظاهر است که در عوالم بلتیک ادارات رسمی هر دولت خیالات خود را ظاهراً نداشته هماره نقل و اثرگونه میزند و این هم توضیح واضح است که تلگراف ایرانیان اسلامبول به امپراطور آلمان رسمی نبوده و ابدأ ضرورت نیست که ادارات رسمی رسماً از این تلگراف مطلع شوند، ولی رموز دامان میدانند که این دو تلگراف ظاهراً برای مایوسی ایرانیان است اما تا چه اندازه بر قلوب عالمیان اثر بختبیده لازم به بیان نیست و هر قدر کوشش در بی اتوری این تلگراف شود مزید اثرات آن خواهد گردید

روزنامه ضمنی باز بهمان مسلك انصاف کشانه خود باز گشته. گویا مانده است که دولت علیه تسلیم نماید مواد مضره غیر محققه بی اساس را در حق خود، چون بنای یاد داشت انگلیس در خساره تجارت به اسم اغتشاش جنوب بوده. پس از آنیکه دولت علیه در جواب یاد داشت ازدیاد تجارت را مسلم داشت ابطال دعوی اغتشاش جنوب را نموده و ازین رو دیگر لازم نبود که ذکری از اغتشاش جنوب شود، و اینکه نوشته است مشکل است دولت انگلیس ازدیاد صدی ده گمرکات را که ایران بزرنگی تسلیم نموده قبول نماید مزید بر نفرت ایرانیان و بدنامی دولت انگلیس در عالم تواند گردید، چه وقتی دولت انگلیس این نحو نیز را منظور نمود اگر غرضی در بین نیست برای او چه زبان خواهد داشت که دولت علیه بالا صاله در مقام اجرای آن بر آید و ما گمان نمی کنیم که رجال دولت انگلیس از مضار انکار این امر واقف نگردیده مزید نفرت ایرانیان را فراهم نموده و خود غرضی خودشان را بر عالمیان ظاهر دارند

(قیمت اشتراك)	و بالا حق احد ابراه بدون قبض ندارند و تاودق که (مشترکین را قس خصوص سال هجدهم دست نماند)	(جبل التین کلکتہ)
(سالانہ — شش ماہہ)	(دمنہ شان بری شناخته نمیشود)	(مدیکل کالج استریت نمبر ۲)
(هد و برہہ)	(نامہ مقدمہ)	HARJEE MAJIN OFFICE 4 MEDICAL COLLEGE STREET CALCUTTA
(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)		(کلیہ امور ادارہ نا)
(ایران و افغانستان)		(مدیر کل مؤیدالاسلام است)
(۲۰ قران — ۲۰ قران)		(مر دوشبہ طبع)
(عمانی و مصر)		(رومہ شبہ توزیع میشود)
(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)		(رومہ شبہ)
(اروپا و چین)		(۴ ذیحده ۱۳۲۸ هجری)
(۳۰ فریک — ۱۶ فریک)	(سنہ ۱۳۱۱)	(مصادف با)
(روس و ترکستان)	(مراسلات خصوصی بدون امضای)	(۷ نومبر ۱۹۱۰ میلادی)
(۱۰ منات — ۶ منات)	(معروف ادارہ درج نمیشود)	

الملتیک

دولتین هم هرگاه که دولت ایران نخواهد امتیاز بدولت نائی دهد باید به مشورہ دولتین باشد و این اقدامات دولت انگلیس عملاً میخواهد آن یادداشت را زیدہ کند

دوم - مصر بر اینکه خلیج فارس خارج از موضوع این معاهده بوده ضمناً در همین حصہ بی طرف واقع شد بود اگرچه بعد از امضای معاهده (سرادوردگری) یاد داشتی بدولت روس مرستاد که در خلیج فارس همان قسمیکہ اولویت نمود انگلیس از دیرباز تسلیم شده از این و بعد هم باید مسلم ماند. روسیان در آن موقع اگرچه این نکته را تسلیم نہ نمودند ولی نظر به بیخ های سبزی که انگلیسان درین معاهده باو نموده بودند سکوت اختیار کرده اینک که دیدہ اند آہمہ ناعہای سبز خارستانشان گردیدہ متوجہ خلیج شدہ اند و انگلیسان همین یادداشت خود شانرا سند حقیقت پیداشته قبل از وقت اسباب همه گونه مداخلت را فراهم مینمایند

سوم - مسئلہ استقرار از سنگ شاهنشاهی باسم امنیت جنوب بہ حدکفالت کرکات خلیج اگرچه صامراً دولت انگلیس در این استقرار بطریق مستقیم طرف نیست ولی واقفان رموز از همین کفالت کرکات میتوانند تصدیق نمایند کہ این قرصہ هرگاه صورت بیدد مبنی بر مقاصد دیربہ دولت انگلیس در جنوب میباشد چه انگلیسان از دیر باز خوف آن دارند کہ مبادا دولت ایران از دولت نائی قرض نموده و کرکات جنوب را کہ مرہون استقرار وسیعی نیست برهن گذارد. مسلم است در آن صورت عمق آمد انگلیس خلل وارد تواند آمد، سودی هم کہ معین شدہ بخوبی این نکته را خاطر میدارد چہنگ شاهنشاهی کہ در ایران ثابت بود دوازده و ہجده

چند نکته دقیق
در خصوص یادداشت انگلیس و جواب ایران سابقاً برخی اشارات بر حسب تلگرافات روتر نمودیم اینت هم از بیان چند نکته ناچاریم

اول - آنچه از عنوان یادداشت مستفاد میشود ایست کہ دولت انگلیس باسم انتشارات خوب مہربای امنیت راه بوشہر تا اصفہان ما قشون ایران تحت امرات ہندی شدہ است و ضمناً اشارہ مینماید کہ حکومت ہندوستان هیچ گونہ تملقی باین اقدامات نخواهد داشت، کسانیکہ واقف بہ حقیقت این مشاہہ هستند حیل استنباط های دقیق می نمایند و عقیدہ شان ایست کہ دولتین متذکر نکته کہ بعد از اشاعہ مواد معاهده روس و انگلیس حراند آلمان نوشته شدہ اند، در آن موقع حراند آلمان نوشتند « همان قطعہ کہ خارج از منطقہ نمود دولتین واقع شدہ برای پیشرفت مقاصد آلمان در وسط آسیا کافی تصور می شود »

حالا باید دانست کہ دولت انگلیس در یادداشت خود ثابت مینماید کہ ما امنیت آن حصہ بی طرف را هم بر دمنہ خود گرفته ایم و از بوشہر تا اصفہان و بحرہ کہ خارج از منطقہ نمود دولتین شناخته می شد نیز دخالت می نمائیم و چون این نقطہ خارج از اثر منطقہ نفوذ دولتین است حکومت ہند را دارای تعلق قرار ندادہ اند، بصارت سادہ تر مینگوید کہ در منطقہ نفوذ خودمان کہ باسم محافظ و سرحد ہندوستان قرار دادہ ایم هرگاه ضرورتی پیش آید از طرف حکومت ہند اقدام خواهد شد یاد داشتی هم کہ دولتین در خصوص یادداشت امتیازات بدولت نائی بیش نموده بودند مخصوصاً بدین نکته اشارہ شدہ بود کہ خارج از منطقہ نفوذ

نموده جز باشماره سری بتزویل سودی صدی پنج
 خاعت نمی‌ناید و همچو تصور کرده اند که هرگاه
 باسم امنیت جنوب استقراض از سنگ شاهنشاهی شود
 فوراً در شال هم اسبابی برای اعتناشات فراهم
 خواهند نمود که دولت باسم امنیت شال هم مجبور
 بیک استقراض از سنگ روس بگردد. در آن حال
 مقصودیکه دو تین از دوبراز ریختن یک قرضه نوام
 بحلق ایران داشته و سکوتش می‌نمودند مالا افراد
 حاصل خواهند نمود و همان قرضه اولیه خود شارا
 که دومامده کشیده اند از پیش خواهند برد و اینکه
 روسیان از روی سازش مانع از این استقراض اند
 برای ایست که دولت ایران با استقراض او هم
 منفرداً رضا دهد و تعلق انگلیس بواسطه بی‌شرفیت
 بمقصود روس است باسم اینکه در شروط استقراضات
 اولیه روس ذکر بوده که بدون اجازه روس از
 دولت دیگر قرض نشود و تا وقتیکه قروض روس
 داده نشود کمکات کفیل قرضه دیگر ننگردد

هرگاه چنین بود چرا مواعع سری وعلنی در
 پیشرفت استقراض داخلی فراهم شد. چه‌گونه مانع
 از استرمان حواریات دولتی شدند. چه طور عایق
 برای اجرائی برخی عوارضات در جواب وشال مستند
 و اینکه در یادداشت مهلت سه‌ماهه ایران داده‌شده
 برای ایست که از این تمهید راضی با استقراض گردیده
 دولتین بمرام خویش نائل آیند و هرگاه راضی بین
 استقراض شد خواه بخوام بعملیات شروع نمایند.
 عرض‌ایکه درست باید دقت نمود که این استقراض
 همان استقراض باشد که دولتین از دوبراز حواستار
 بوده و چند بوبت کابینه های قبل و مجلس مقدس
 رد نموده اند. وزرای ما البته ملتفتند که سیاسيون
 برای پیشرفت مسلك خود اتخاذ طرق عدیده مینمایند
 نهایت اسم و لباس او را بدل کرده اشکلی دیگر جلوه
 میدهند و مجلس هم باید کمال مدافعه را در شروط این
 استقراض بنماید و ملتت باشد که حریت خیل داناست
 چهارم از بیاناتی که برخی ارباب سیاست انگلستان
 وقابله جرائد بعد از پیش کردن یادداشت انگلیس
 بدولت ایران نموده اند تا درجه حکم خبران
 سیاست را اندکی اطمینان حاصل گردیده که در این اقدام
 مسئله تقسیم و دخالت مدنظر نیست ولی واقعات
 رموز میداند که ارباب سیاست در هر موقع که خواسته
 اند اقدامی مینمایند نقل های وارونه زده اند و در
 این دوره ثابت شده است که سیاسيون همواره از
 جمله (عدم مداخلت) همان معنی مداخلت را گرفته‌اند
 و قیام موقتی شان معنی این است که از خارجه یا
 داخله اسبابی فراهم آید که جبراً آنها را بیرون
 کند. دخالت امروزه سیاسيون عبارت ازین نیست

که مانند ترکان زن و بچه مردم را گرفته و یا خانه
 و زندگی ما را تصاحب کند معنی تقسیم ایران این
 نیست که نصف را روسیان به پترسبرگ برند و
 نصف دیگر را انگلیس به لندن. همین اقدامات
 مسلحه که در داخله مان نموده یا مینمایند عین دخالت
 است و همینکه روس در شال و انگلیس در جنوب
 به اسم امنیت منطقه خود میردازند معنی حقیقی
 تقسیم ایران است. دولت و ملت ایران البته فراموش
 نکرده‌اند یاد داشتیکه دولتین بعد از امضای معاهده
 بایران پیش نموده و چه نوبدها داده و چه اطمینانها
 بخشیدند و چه وعده‌ها کرده آن نوبدها و وعده‌ها
 برای اطمینان ما و انجام کتونی شان بود همان
 قسمیکه ایفا بمواعید اولیه خود نه نمودند در وعده
 های اخیر خودشان هم وفا نخواهند نمود. ایرانیان
 نباید باین مواعید عرقوبی دیپلماتی اعتماد نموده و
 یا به هیاهوی مسلمانان و نگارشات ممدردانه جرائد
 مله انگلستان و آلمان و سایر اروپا امیدوار شده
 این مهلت ذقیمت را از دست بدهند همین وعده‌ها
 بمصریان کوریاتیان و منچوریاتیان هم داده شده بود و
 همین هیاهو‌ها در ورود قشون مصر از مسلمانان و
 جرائد مله انگلستان هم بلند گردیده البته نتیجه که
 بخشیده بر هیچ ذی حسی پوشیده نیست بلی در
 صورتی ازین هیاهو‌ها بی‌جبرانه جرائد و ممدردیهای
 مسلمانان فائده میتوان گرفت که ایرانیان بخودی خود
 کار کرده ترك اغراض شخصی گشته یارنی بازی را
 به يك سو نهاده جداً در امنیت مملکت و اصلاح
 حال ملت و دولت فدا کاری بایستند

(کس بخارد پشت من جز ناخن انگشت من)
 بلی ایرانیان اگر اتفاق نماند و در راه استقلال
 خود از بدل مال و جیب دریغ ندارند و دولت
 خویش را کمک و حابه کنند بدون همراهی احدی
 عروس آزادی را در آغوش خواهند کشید ورنه اگر
 تمام دنیا حامی آنها گردند استقلال آنان را حفظ
 نه تواند کرد. هیچ‌جای شبه نیست که وزیر خارجه
 انگلستان (سرادوردگری) هم میداند که در بیج ماه
 اخیر فقط کمکات خلیج شانزده هزار لیره اضافه دخل
 آورده و این خود بزرگترین دلیل است بر ترقی تجارت
 بجای نقصان. پس این سخنان بهانه محض است و تا در
 ایرانیان اتحاد و اتفاق دیده نشود رفع بهانه همسایگان
 نخواهد گردید و در نحو استقلال ما یکی بر دیگری
 سبقت خواهد جست. این خلاف عقل است که برای
 اغراض شخصی ما خودمان برای منافع نوعی چشم پوشیده
 و امیدوار باشیم که همسایگان متمدن برای غرض رای ما
 چشم از منافع خود پوشیده و این مملکتیکه
 کاستان آسیاست برای ما بگذارند باز هم میگوئیم

اگر ایرانیان بستخان دیپلماتی اعیاد نموده و این مهلت ذی قیمت را از دست داده محال است در سرزنگار بتوانند آزادی خود را محفوظ دارند و اگر انگلیسان موقع برای انجام خیالات خود یافتند و شروع بکار نمودند محال است تا دویت سال دیگر ایرانیان بتوانند خودشان را از جنگال روس و انگلیس نجات دهند. هات بویدمانیکه در یاد داشت با کال نزاکت در اطمینان دادن با پیش شده دخالت است دخالت. و بمجرد شروع بکار ایران تقسیم شده است تقسیم و زرگان عرض را از جزع بودیت و بندگی اجنب چاره نخواهد بود و هر قدر بگویند الآن ند ندمت جواب خواهند شید و مایفغ التدم، و این را هم باید دانست که دانایان بهیج وجه از جواب دولت ایران به انگلیس خوش نتوانند گردید یعنی بقول تنها دولت انگلیس قانع نخواهد شد وقتی میتوان از جواب وزرا خوشنود شد که فصالت ابراز داده رفع بهانه و دفع ما امنی جنوب را بنمایند ورنه خواهیم گفت که وزرای سابق فقط بلفاطی میخواستند امنیت در ایران بدهند، وزرای کنونی ما میخواهند بلفاطی جلوگیری از مقاصد پلتهکی همسایگان قوی بجهت کنند همان قسم که وزرای سابق ناکام شدند یقین باید کرد که وزرای کنونی ما هم کامیاب نخواهند گردید وقت آنست که لب بندید و نازو بکشاید

بندر لنکه

(یا یکی از رازهای پلتهکی)

کسایکه فقط اطلاعاتشان بذریه اخبارات یا تلگرافات روتر است از ملاحظه تلگرافات جدید گویا همچو تصور نمایند که فی الواقع یک حادثه عبرت مرقبه در لنکه پیش آمده و دولت انگلیس ناچار باین اقدامات شده است. خوبست برای کشف این مدعا نظر بواقعات بندر لنکه و کپه خلیج فارس از چندی باین طرف بشود تا معلوم گردد که ابرایان اعم از شهری و دهاتی قصباتی و ایلاتی با آنها اختلافاتیکه لازمه اینگونه انقلابات است هیچگونه قصد سوء و خساره و حمله بخارجهدارند مگر اینکه آنها را باضطرار بیاندازند و این هیاهوما فقط برای پیوند مقاصد پلتهکی است.

آشنایان سیاست مسبقند که از چندی باین طرف دولت انگلیس بمناسبت پلتهکی پیش از پیش متوجه به بندر لنکه گردیده دو (باسپدو) که سی میل مسافت با لنکه دارد انبار ذغال و حفظ مانعدم را فراهم نموده. از طرف دیگر رموز دانان افشا نمودند که از بندر لنکه قاصد های

مخصوص بلارستان و نوابج آن فرستاده می شد. از آن بعد در برهم زدن امنیت محلی انجمن بلدی که یک رابطه مستقیمی با طهران تصور میشد اختلاف در میان اعضا پیدا شده تا جائیکه انجمن مسدود گردید. سپس میرزا محمود خان نائب الحکومه که اندکی مخالف با مقاصد شناخته آمده بود بر حسب امر دریایی (که حائش لازم به بیان نیست و در وطن فرونی گوی مسابقت از وحیم خان شروع ر بوده) مظلوم شد کسبکه مطیع همه گونه فرمان بود

بنائب الحکومگی منصوب کرد، در همین گیر و دارها ملاحظه میشود که علم جزیره (سری) عمداً افتاده با وجودیکه سرماز کرک در آنجا ساخلواست و بیس کرک در جہاز سوار شده با کپتان بازنده سال خدمت کرده جزیره را پیدا نموده معاودت مینماید. قدری که نظر خود را وسعت دهم خواهیم دید جزیره (بن موسی) که حق خلق ایران بود چند سال قبل اهراب واداشته شدند که بر بیرق ایران شلیک کرده بیرق را انداخته با اشارات سیاسی حسن بن سمیه بابک کیانی آلمان در اخراج معدن کلک آنجا شرکت نمودند و اینک چندین سال است که درین موضوع بین انگلیس و آلمان مشاجره و سر طاک حقیقی آن که ایران است بی کلاه مانده. بتازکی انگلیسان در محله جزیره بن موسی بحسن بن سمیه ۲۴ ساعت مهلت دادند. مشار الیه جواب داد که مرا هیچ گونه اسباب در جزیره بن موسی نیست و آنچه هست راجع به کیانی آلمان میباشد

از طرف دیگر می بینیم که در همین ایام میر وکت خن حاکم جاشک و بیابان که بر حسب خواهش انگلیسان دریایی گرفتارش نمود بدون سابقه و لاسحه و مقدمه از محبس کل حکومت خلیج فرار و بی عایق بموطن خویش رهسپار میگردد، و در همان ایام که جنرال با حشمت یعنی حکمران کل خلیج خود را در میناب مشغول ساخته بود با آب همه اقتضاحاتیکه در مقابل چند هزار تومان رشوه در میناب فرام کرد مسئله حمله بر بندر عباس پیش آمد و آن اقتضاح کاری را بار آورد که قلم از نگارشش شرم دارد

باز قدری که بار یک می شویم می بینیم از چند سال باین طرف در بندر لنکه دولت عثمانی شخصی را به قونسا، افتخاری نامزد نموده و چندی قبل بیرق هم بر افراشت و چند هفته قبل بیرق مذکور را وای نوسال انگلیس فرود آورد و تاکنونهم آن بیرق افراشته نشده است. حالا قدری باید درین واقعات و حادثات و

الحکومه بندر لنگه از جانب حکومت کل خلیج فارس می‌گردد -

بدون قشونی برای محافظه این بندر از خوف حمله اعراب بقدر کافی ساخلو می‌شد، و تکه و تکه دریایی از عده آن کاست تا آنکه در این ایام به بیست نفر رسیده و آنها هم بواسطه نرسیدن مواجیشان به فعلی و هیزم شکنی امرار وقت می‌بایند

ازین بیانات بخوبی ظاهر میگردد که پیش آمد واقعات بندر لنگه مبنی بر بلتیک و پایه اش بر رقابت انگلیس و آلمان گذاشته شده، نهایت برای بی‌گم کردن ساهرا خوف حمله سه هزار نفر ایلات (براست بادروغ) بر حسب تلگراف بوشهر قرار داده شده، چنانچه یکی از واقعات رموز مینویسد، دولت آلمان بهان وضعیکه انگلستان خود را به جزیره بن موسی دراز نموده مصمم بود که بر جزائر اطراف لنگه نیز جای مهربی برای خود بگذارد، و نیز همچو تصور کرده اند که برخی بذرایع سعی بوده‌اند که اعراب مثل سابق بر بندر لنگه حمله آورند،

این است که ما حمله ایلات را به بندر لنگه هیچ‌وجه اهمیت ننوایم داد و ورود قشون بحری انگلیس را بدون ضرورت و غیر مشروع دانسته و سر تا پا از شامت حکومت دریایی می‌دایم، یعنی اگر دریایی از بی‌وجودی و طمع کاری بادر خلیج فارس را بی‌استعداد می‌گذارد و از آنچه دولت برای مواج قشون ساخلوی بندر مقرر کرده نمی‌برد کار باخا منتهی نمی‌گردد و دولت انگلیس هم بی‌سبب بهانه‌های خنک قشون بحری دوسند لنگه ورود نمی‌آورد چیزیکه ایشان میدهد که در ورود قشون بحری به بندر لنگه دست دریایی در کار بوده تلگراف روتر است که اشاعه داده که ورود قشون بحری در بندر لنگه نخواهش نائب الحکومه و وایس قونسل دولت انگلیس بوده است

ظاهر است که نائب الحکومه بدون اجازه دریایی چنین حکمی نتواند داد و حال آنکه وزارت خارجه ایران بمجرد استماع ورود قشون انگلیس به بندر لنگه به سفیر انگلستان مقیم طهران پروتست کرده اخراج قشون را از بندر لنگه بفوریت خواسته است این نکته ظاهراً می‌دارد که نائب الحکومه دریایی هرگاه چنین اجزتی داده بدون اطلاع طهران بوده است، ورنه اگر کابینه وزراء اطلاع داشتند ممکن نبود سفارت انگلیس پروتست نمایند و هیچ بعید نیست که بعد از پروتست دولت ایران نائب الحکومه دریایی چنین نوشته داده باشد و سفارت انگلیس هم

پیش آمده‌های کنونی غور نموده سپس در مرکزیت و اهمیت بندر لنگه و حقیقت اسکسسان را ساری گردیده تا مل عمود - در آن صورت بدون تردید علت حادثات جدید ~~که~~ بر حسب تلگرافات ظاهر میشود معلوم خواهد شد

بندر لنگه معروف به بندر مروارید و شصت میلی عباسی و در وسط جزایر بسیار واقع گردیده و در قرب (سری) و جزیره بن موسی و جزیره حبر و غیره قرار گرفته، از یک طرف بندر حمل و نقل مال تجارت دارستان است و از طرف دیگر مرکز تراشیب مال تجارت است که بهانات مانند شارجه دبی - رأس نجیده و غیره واقع گردیده - در جهاز سازی و عوای اهلش بد طولاً دارد - قیمت جهازات بادی که می‌سازند سالانه از یک ملیون متجاوز است. منابع از صدف و مهره های مختلفه و مروارید و غیره بدست می‌آورند پیش از حدیثان است - نفوسش از چهل هزار متجاوز و مرکب از عناصر مختلفه عرب و عجم میباشد - غاب عماراتش سنگی و خیلی خوش‌ماست - از دریا نهایت این بندر از کلیه - بادر ایران پیش است و جهازات نیز خیلی نزدیک بساحل آن می‌ایستند - و یک عده قلیلی از هندو و مسلمانان (سند) هم در آنجا مشغول تجارت اند و حتی هم از وسیای ایرانی خود را بر عیبتی دولت انگلیس نامرد کرده‌اند -

تجار آلمان در خرید صدف و مهره و سنگات و مروارید این نقطه خیلی خود را پیش انداخته و اهمیت این مرکز گویا با درجه به آلمانیان ثابت شده است اگر چه تراشیب این بندر بواسطه تهره جدید کاسته شده و غاب تجار ایرانی آنجا به شارجه و دبی نقل مکان و تجارت داده و جهازات تجارتی هم جسته جسته به دبی که کرب قلیلی دارد می‌روند معذاک هرگاه کرب حلوگیری ارقاچق بناید پس از مصارف عایدی کربش از صد هزار تومان متجاوز خواهد بود - تقریباً تا دوازده سال قبل حکومت بندر لنگه از طرف دولت ایران از اعراب معین میشد و آخرین شیخ آنها را که شیخ یوسف نام داشت شیخ محمد نامی از اعراب سئل رسیده بجای او حکومت نمود - و موقتاً دولت ایران هم حکومت او را تسلیم کرد - تا اینکه مرحوم حاجی احمد خان کبابی (که روان شاد باد) از طرف دولت ایران مأمور بگرفتاری شیخ محمد شد دریایی هم با جهاز برس پلیس به لنگه رفته حاجی احمد خان مرحوم شیخ محمد را گرفته دریایی دست بغارت آشوده میلی هنگت به مردمان بیطرف خساره وارد آورد و از آن به بعد نائب

در طهران بهیچوجه ازین وقعه اطلاع نداشته ورنه در جواب پروتست ایران سفیر انگلیس مینوشت که ورود قشون بر حسب استدعای حکومت بنادر بوده است

این نکته هم مستور نماید که حکومت و وایس قونسل دولت یگانه قشون اجنبی را در خاک دیگری وارد نتواند نمود مگر به اجازه خواستن سفارت از دولت و بر فرض هم که دریایی اجازه داد باشد دوستانه نمی تواند یک دولت اجنبی قشون در ساحل یک دولت دوست فرود آورد. پس اگر نوشته هم از نائب الحکومه دریایی بدست باشد جواب غیر قانونی این عمل نتواند بود، قطع یک ماست مالی بلتیک است

بلی اگر کابینه وزراء عبرت از وخامت کاریهای سابقه دریایی گرفته و تحقیق نموده بودید که علاوه بر اینکه انگشتر گردان دیگران است سرآ و علناً دشمن منروطیت و انتظام و بزرگترین حامی محمد علی میشوم است

اگر کابینه وزراء آمدن تامل درفته انگیزی های او در خلیج و خرج ترانی هایش برای دولت و هرزه کاریهای او در ملاء و خلاء چشم پوشی نکرده امروز دوجار این مشکلات نمیکردیدند. حالا هم ما به آواز بلند میگوئیم که هر روزیکه دریایی حکومت خلیج رقرار ماند یک قطعه از خاک بنادر را باید از ایرات مجزی دانست و خساره یک مبلغ هنگفتی را هم باید متحمل شد جندی دیگر اگر کابینه وزراء این شخص وطن فروش را حکومت خلیج رقرار دارد یقین بدانند که سیصد و هشتاد جزیره و بنادر خلیج فارس با تمام صورت بحرین را پیدا خواهند نمود

هیچ دلیلی محسوس تر بر وطن فروشی و بی کفایتی دریایی از این نیست که در منع ورود اسلحه قاجاق باندازه تساح ورزید که عاقبت دولت انگلیس بخودی خود در جلوگیری بداخله شدن در ساحل پیام نمود چنانچه واقعه جاشک و بسیاری از واقعات بعد از آن این دعوی را به ثبوت میرساند و بالغ بر ده جہازات انگلیس که امروزه در خلیج فارس میباشند کار شان این و پناه شان همین است که ایران در منع ورود اسلحه قاجاق عاجز است تمام

بازبهای امروزی منشاءش همانا ورود اسلحه قاجاق است -

کسانیکه واقف برهوز اند بخون دانسته که جلوگیری از ورود اسلحه قاجاق برای حکومت بنادر دارای هیچگونه اشکالی نبوده، چنانچه از دوازده سال باین طرف که ایرات داخل درین معاهده گردید بهره ناکال سهولت منع اسلحه قاجاق را می نمود و پناه این دخالت بزرگرا همسایه نمی داد و این پناه دخالت را هم عمداً دریایی از تسایح کاری و سهل انگاری و رشوه خواری همسایه داد خلیج همان خلیج است و اهالیش همان اهالی و حکومت هم همان حکومت میشود. در موضوع ورود اسلحه از سال گذشته چه پیش آمده عاقلان بهتر میدانند. ظاهراً است که هیچ حکومتی را در خلیج همسایگان بحیثیت و دل خریدارند - هم واسطه او میشود و هم - نارش او را میکنند - ولی کابینه وزراء راست که جنبه وطن خواهی را شمار نموده در سفارشات بیگانگان بندیشند و به بنید نتیجه جز آنچه پیش آمده در آیه هم پیش تواند آمد -

باز هم با آواز بلند میگوئیم که رحیم خان جنوب یعنی دریایی عاقبت نقشه شالرا در جنوب پیش آورده و خواهد آورد دفع او از خلیج نسبت باخراج قشون بحری انگلیس در بندر لنگه واجب تر است چه اگر این نقشه روی کار باشد از بندر لنگه قشون برداشته شود بساحل دیگر فرود خواهد آورد - ولی اگر رحیم خان جنوب دفع گردد انتظامات خلیج صحیح و ابواب پناه روی بیگانگان بسته خواهد آمد - دانایان بهیچوجه نمیتوانند الرای بدوات انگلیس وارد آرند چه مسلماً هر دولت دیگر بجای انگلیس بود و این مرج و مرج را در خلیج مشاهده میکرد پس از آنچه انگلیسان با ما نموده می نمود ما مورین هیچ دولت نمیتوانند چشم در موقع مقتضی از منافع سیاسی و اقتصادی خود به پوشند پس ما ملامت نتوانیم نمود دیگران را که در همه خویش سعی اند بلکه باید خودمان را ملامت کنیم - اینگونه موقع همسایگان میدهم باز هم ما به اعصای خواهی رجال انگلستان ایل نموده تمنای همراهی مینمائیم

ملاقات امپراطورین

(آلمان و روس)

(یا دفتن معاهده روس و انگلیس)

مکرر در مقالات خود نوشتیم که معاهده دولتین روس و انگلیس را چهار رکن بود - رکن اول راجع به بانکان و خود حکومتی مقدونیا و تبدیل پایتخت عثمانی به شام و باز شدت دروازه بسته (داردنیلر) بروی جهازات روس و راه یافتن او بدریای آزاد - این رکن رکنی که مقاصد دیرینه روس را انجام میداد مشروطیت عثمانی و فتنه آستریا به بوسینا و هرزه گوونیا و تحدید سیاسی آلمان بر او در مسئله بالکان از هم متلاشی گردید - رکن دیگر آن که عبارت از تصحیح مناقشات دولتین در تبت بود به بیداری چین و قبضه بر تبت در هم شکست رکن سوم که راجع به افغانستان بود سکوت اعلیحضرت امیر و بی حجاب گذاردن استیضاحت رسمی بی ثبات گردید، فقط چیزی نه اقی مابده بود فصول راجعه ایران - چون تعهدت روس از صرف نصر نمودن بحایج فارس و هندوستان که هر دو سکایس و مشوش بیداشت مشروط بر آن بود که سائید انگلیس روس در مدینه شام در بحر ای تجارت دنیا گردد، این دولت عثمانی هم روره بر قوی ری و بحری خود می ارابد از نیرو آرووی صنی روس را که سلت المال معاهده دولتین شده است می شد بحاک ریخته باصبع صمغ اویانه خود را نجاب حایج درس معطل داشته است

ظاهر است که تمام نقشه که گابلس کشیده و معاهده که با روس نموده اساسی بر عصب توجه روس از حایج فارس و هندوستان بود - پس از آنیکه روسیات مجدد رجوع توجه بحایج درس نمودند صیباً انگلیس را دیک وقت اویه بخوش حواهد آمد

روسیان ایمان نموده اند که از دست انگلیسان صرته اقتصادی و سیاسی حاصل نموند و بفقیده خود شان مسدت مسیو اسوالسکی که مؤسس این اتحاد بود بحال آتیه روس زبان رساز معلوم گردید، این بود که مسیو اسوالسکی توك وزارت خارجه گفته بسفارت پاریس نامزد آمد همان وقت

دانیان رهوز دانستند که مسلك روس تغییر پذیرفته و استغفای مسیو اسوالسکی با خانم قوت انجود روس و انگلیس توام خواهد بود، چنانچه این عقیده را روتر تصدیق نموده است که ملاقاتیکه کمال اهمیت را در اقتصادی و سیاسی دیا دارد بن امپراطورین روس و آلمان بصیبت هیئت دیپلماتی شده است

ظاهر است که این ملاقات از تلگرافات دو هفته روتر محوی ظاهر تواند گردید که از يك طرف وزارت جنگ عثمانی در نطق خود از دیاد قشون بری را سریعاً مصمم شده و سلطان هم بعد از اظهار میل و رعیت خود فوریت انجام این نیت را خواستگار گردیده اند - از طرف دیگر می بینیم که ارباب حل و عقد انگلستان مانند مستر (بلفور) و غیره اظهار تاسف میباید بر اینکه این دوساله اخیره بر قوای بحریه دولت افروده شده و الحاح میکند که سریعاً دید تلافی مافات بگردد - ظاهر است که میدان داران سیاست که غیر مترقب در تکابوی اردیاد قوای خوش اوفتاده پیش آمدی را دیده اند که سنجبان سواند دید -

مقدمه آن پیش آمدهای بزرگ را همین ملاقات امپراطورین آلمان و روس می بدارند و گویا نزدیک تصدیق پیوسته که سرادوردگری در مسلك اتحاد با روس سهو پلنگی نموده و هرگاه سواند حاصلی زیانناک ازین اتحاد متصور است بر باید نتیجه اش همان تبدیل وزارت ایبرالی به کانسرویو خواهد بود و بسیاری را عقیده این است که پیش آمدهای کنون ایران تمام مبنی بر دفتن اتحاد روس و انگلیس وزیده شدن رقابت اویانه است فقط انتظاریکه برای دفتن رسمی آن دارند این است که به سبب نتیجه ملاقات امپراطورین کجا خواهد انجامید - آیا امپراطور آلمان سعی آوش خواهد کشاد که روسیه بنواد در حمایت و از اتحاد انگلیس مستغنی گردد و یا سرحد رده باچار در هین اتحاد باقی حواهد ماند

(طایبات در سایه تلافی امپراطورین)

اگرچه امروزه بحث در نتیجه ملاقات امپراطورین نمودن بسی دشوار است مع ذلك نظریات بعضی بر آن است که چون امپراطور آلمان استقلال مسلك خود را بر عالمان ثابت کرده و اولین دیپلمات

دنیا بشمار است بخوبی میتواند نقشه خیالات خود را بر امپراطور روس مسجل دارد، ولی این نکته را نمی توان از مد نظر دور داشت که ائتلاف عثمانی و روس حکایت آب و آتش است

طامع است که جوانان ترك زبانان یکصد ساله را که از دولت روس دیده اند فراموش نکرده و خیالات آتیه روسرا هم در حق خود شان از نظر دقت دور نتواند داشت، امروزه که روس حکم لاشه کم حس را دارد موقع تلافی بنداشته اند.

بر هیچ ذیحسی پوشیده نیست که دولت عثمانی ازدیاد قوای بری و بحری خود را جز برای سر کوبی روس خواستار نیست و با سرعت سیرترقی خود در ازدیاد قوای بحری امروزه میتواند در دریای سیاه جہازات روس را بیک حمله داغان نماید، میتواند لنت پس از چندی در دریای سیاه فقط قوای بری عثمانی حکم فرما خواهد بود و بدون شبهه پس تکمیل قوای بری خود او این میدان داری و آنان ترك با روس تصور می شود و تمام خوف سیه امروزه از عثمانی است و مظنون است که از آلان دست اتحاد روس دمد مجبوراً عثمانی به اتحاد انگلیس و فرانس خواهد گردید ولی از منافع خود را مربوط به آلان ساخته جدائی آن از اتحاد ثلاثه بسی دشوار و نمکی ن مورت زیانان عظیمه وی گردد

از طرف دیگر برخی را عقیده این است که روس بخوبی دانسته است که امروزه هیچگونه برای او از اتحاد به آلان نیست فقط منتهای کلبست که در سایه اتحاد با آلان خویشین را زند عثمانی محفوظ دارد. بعید نیست که تا این دولت آلان هم محض شکست وارد آوردن بر اتحاد انس و انگلیس و روس چنین اطمینانی باو بدهد، منافعی که برای آلان در اتحاد با عثمانی است از اتحاد با روس متصور نیست، بلکه بدم اتحاد آلمان با روس پیش از اتحاد با چه به اتفاق گرگان سیاست امروزه روسیه را بوده و همجنسات مصمم تجزیه و پاره اویند، و هرگاه آلمان او را اطمینان بخشد ت موقتاً ازین خطر عظیم برهد بالاصاله آلان زبان آن منافع متصوره ای که برای

او می شود باید تحمل نماید چه ممالک اروپائی روس از روی نقشه تقسیم جغرافیائی امروز نه فردا حق آلان شناخته شده است، ولی بعید نیست که محض علحده نمودن روس و شکست بانحداد فرانس و انگلیس امروزه امپراطور آلان چنین مستکی را اختیار نماید، دوات آلان منافع اقتصادی و سیاسی خود را در وسط آسیا بلکه کلیه شرق در سایه اتحاد با عثمانی دیده که بدان دریمه ایران را هم در دایره ائتلافیه خود شامل سازد، ازین رو گمان نمیرود که دولت آلان مانند انگلیس بواسطه اتحاد با روسیه تولید نفرت جمیع مسلمان کره را برای خود نموده و زیانان اقتصادی عظیم را بر خویش هموار نماید و رقیب بزرگ خود انگلیس را پیش اندازد

(نتایجیکه ازین تلافی نمکی است)

(عاید ایران گردد)

برخی چنان تصور کرده اند که بازبهای کنونی ایران همانا نتیجه حائمه اتحاد روس و انگلیس است یعنی همینکه روسیان دیدند که مقاصد اصلی شان در اتحاد با انگلیس حاصل نگردید موقع را غنیمت شمرده میخواهند از قیام قشون خویش در ایران فائده حاصل نموده ببارتی و اختراجهای وسیله عطف توجه قدیمشانرا با این موجودی اسباب بعرف خلیج فارس و مآلا بحجاب هندوستان منعطف ساخته انگلیس را به تشویش انداخته باشند، همان ساعتیکه کاپینه ایران شروع به مخاره اخراج قشون روس نمود و انگلیس تساع و تطل روس را مشاهده کرد نظر بر اینکه مسیو اسوالسکی همه گونه اطمینان در انموضوع به انگلیس داد بود از روی اجبار یا پلیدیك ترك مسند وزارت خارجه روسیه را گشته گویا خویشین را از این کشاکش و مسؤولیت نجات داد،

از طرف دیگر روسیان که اصرار انگلیس را دیده همه تن بطالب دیگر خود (یعنی آلان) رجوع کرده تریه این ملاقات جدید دیده شد، نکته که مصداق این عقیده تواند بود نگارشات طمس و اشارات تلگرافی روتراست که اظهار داشته « تطل روس در اخراج قشون خود دولت انگلیس را به مشکلات عظیم دوچار تواند نمود » و در جای دیگر طمس مینویسد « برای قیام قشون

روس در شالی ایران هیچگونه ضرورتی دیده نمی شود، ظاهر است که تگارشات طمس در آرنگل های مخصوص خود همان است که وزیر خارجه اسکلسان میگوید، و این آوازها از جنوب ایران هم وقتی بلند گردید که روسها اعلان دادند که درین موسم سرما هم قشون روس در ایران توقف خواهد داشت و عقیده برخی رموز دانان اعتشاشات جنوب تام مربوط همین مسئله و به موشک دوانی روسهاست که اسکلسان را مجبور باقدماتیکه آنها در شال نموده در جنوب نماید با این مقدمات مسلم است که يك حصة عمده بخت امپراطورین درین ملاقات راجع بانحاد روس وانگلیس و مسئله وسط آسیا خاصه ایران خواهد بود. دانایان گمان نمی کنند که امپراطور آلمان چنین از منافع بزرگ اقتصادی خود در وسط آسیا پیوسته و روس را احرم هرگونه دخت در شالی ایران بدهد تا سرحدات متبادیه عثمانی را هم به تهدید آورد، و نایق نژدین برای راه آهن امدد در آسیای کوچک فراهم کند و باین وسیله ایران و عثمانی را از خود رها کند مجبور به پیوستن ریاب خود سازد برخی می بدارند که جوش اسکلسان حدیث ایرانیان را در اخراج قشون روس دیده و پیشقدمی آلمان را سرأ ملاحظه نموده ازین سرف رای اشغال ایران اعتشاشات جنوب پیش آمده و از طرف دیگر محض آرامی آسسل تهیه چس ملاقاتی را با امپراطور روس دیده اند، تا باین بزرگ بوتیبی ماکه آلمان را از همراهی های سری ناز داشته شاید در آیه موقعی پیش آید که بتوانند حبل مسامح خویش از روی معاهده در شال و جنوب بنمایند

در هر حال میتوان ایسان نمود که بزرگترین حصة مخارات این مباحثات راجع به عثمانی و ایران خواهد بود. ولی هر بهلویچه این مسئله اهم را بشکافیم خواهیم دید که اگر ایرانیان واقف بمواقف عصر باشند و امتیاز نفع و ضرر بدهند و مرعوبیت های بیجا را ترك گویند از هر بهلوی این نصورات میتوانند قانده حاصل کنند، یعنی اگر واقعاً سازش سیاسی نباشد این ملاقات اتحاد روس و انگلیس را خاتمه خواهد داد و در آن صورت

انگلیس برای جلب منافع خود مجبورند ایرانیان را در حفظ استقلال خود تأیید نمایند، و بر فرض هم که سازش سیاسی باشد تا دیرباز در برده استقامت نماند آلمان را بضدیت با روس وا داشته میدان بر روسیان تنگ خواهد گردید، چه منافع اقتصادی آلمان را مرکز اجازه نمیدهد که منطقه نفوذ روس در ایران بر حسب اتحاد با انگلیس روسیان را مسلم آید، ولی اینها در صورتی است که رجال ایران چنین از اغراض شخصی پوشیده بارتی بازی را ترك گفته خبر وطن و نوع را خواسته بمیدان نفع جوش در آید، ورنه در هر واقعه سیاسی بجای نفع زیان خواهند برد و از دوستی و همراهی هیچ ملت و دولت جز ضرر عاید آنها نخواهد گردید. و همینکه بعضی با خواب مرگ ایرانیان مسلم بهلوان سیاست گردید و استنباط کردند که این ملت از جلب منافع خویش عاجز و قابل تشریف استقلال و آزادی نیست خواه نخواه رسک دیگر ریخته نقشه طمسان در ایران نزه خواهد گردید

امروز اگر ایرانیان مقاصد بوعی را بر منافع شخصی ترجیح ندهند محال است که در این کشاکش سیاسی حالب هیچ گونه نفعی گردید، بلکه هر آیه رحمت در حق آنها اثر غضب خواهد بخشید، هیچ ملت و دولتی را قانع بمنافع اقتصادی و سیاسی نتوان داشت. در عوام سیاست اعتماد کفر و بدوستی و رقابت و همراهی سیاسی این و آن نمیتوان تضمین نمود. رجال ایران امروزه اگر استقلال جویند باید با کمال هوشیاری و ترك اغراض شخصی و بارتی بازی های عمی مردانه و هوشیارانه است کلاه خود را گرفته در میدان سیاست بیون در آید و ملتت باشند که بدان سیاست يك دفعه زیر کلاه آنها نرود که تا رو برگردانند دیگرانش روده باشند شرکت در هر ائتلاف و اتعاق و دائره و رقابت و اتحاد وقتی بحال ایران نافع تواند بود که ایرانیان ترك اغراض شخصی گشته صمباه استقلال وطن را بر هر چیز مقدم دارند. هرگاه چنین شود ما اطمینان میدهم که ایرانیان در همین کشاکش و رقابتی انگلیس و آلمان در جلب روس بتوانند شکست استقلال خود را حفظ کنند. ورنه باید گفت نوش دارو یکام ما زهر است.

عقیده مستر تمپل در حالات ایران

(ترجمه دیلی نیوز لندن)

شخص سیاحی تازه از سیاحت شرق رجعت نموده عقاید عمیقۀ را بیان می‌کند. غالباً بر سیاحان اروپا این الزام عاید می‌شد که نسبت به شرقیان آنچه مینویسند غیر منصفانه و از روی تعصب است. این سیاح پادشاه مستر برنارد تمپل است که اصراف و عدم تعصب را نسبت به شرقیان در حق خود ثابت نموده است. مشارالیه سالی چند در هندوستان و از آنجا به ایران رفت. اینک معاودت بانکستان کرده اطلاعاتی که درباره امور آتیۀ شرق مدبر گرفته خیلی اهم و قابل اعتناء است. مشارالیه چندین سال نائب دبیر روزنامه (سول اند ملتزی گزت) لاهور که در عجب اول روزانه اسکیمی است بوده. با کمال دقت در حال مسلمانان و پیش آمد های آتیۀ اسلام عور و تامل نموده. دو سال قبل محض مرید اطلاعات خویش بعرف ابراف رهسپار و مدت در آن جا به سیاحت میگذراید

شک نیست که امروزه در دائره بلندیات ایران مسحت ترین مساک دیاست و تناسبات آتیۀ هر مساک و رهشی را اختیار نماید خیلی دارای اهمیت است روزنامه (جمهر حران) مینویسد عقاید مستر تمپل که در انجمنها اشهار داشته اشاعتش کاملاً در حراید مشکل است از این رو مصمم است عقاید خود را بصورت رساله طبع و نشر نماید. ، ، ،

منجمه عقیده مستر (تمپل) این است که قوت و اقتدار اسلام بالطبع روز افزون و عایق بردار نیست (چنانچه اقتدارات اسلامی هماره در دیا منتهای قوت را داشته است) همینکه باقتضای وقت مسلمانان زندگی از سر گیرند بدرجه قوت خواهند گرفت که اقتدارات اوایه شان را عالمیان فراموش نمایند. رموز دانان بطر به سلام و آثار ترفیبات اسلامی هماره فکر و تامل بوده اند. حالا مشاهده میشود که در ممالک ایران و عثمانی انقلابات بلندیکی ارفقه و بکامیابی تمام انجام پذیرفت. همینکه سلطنت های اسلامی بالاصاله یگان یگان فوت گیرند بدن شبهه تشکیل یک اتحاد سیاسی از دول اسلامی را متحتم است و در آنصورت بالطبع در

دوائر بلتیک عالم قوای مسلمانان با شوریه سیر خواهد نمود

درست اگر باصول حفرای سیر در قوای بلیدی مسلمانان شود خواهیم دید که از بحر اتلانتیک تا دریای (باسنیک) ممالک اسلام بشین مانند سلاسل یکدیگر پیوسته است. در صورتیکه مسلمانان بواقص خودشارا تکمیل نمایند اتحاد این سلسله متدایه از حتمیات سیاسی است در آن صورت ایران چه در علم و جفرای وجه در بلندیکی و قوت، سمت مرکزیت بمجمیع مسلمانان دیا پیدا خواهد نمود. و هیچ بعید نیست که پس از یک دوره به حیثیت دیاست هم مرکز اسلامی شناخته آید. اعم و اینکه مرکز سلطنت های اسلامی است ما یک اصول حفرای میتوان گفت که ایران مرکز کرم نیز میباشد. و اوویب و ترفیبات بلندیکی ایران از روی تاریخ دیا مسلم است. علاوه بر مذهب هماره ایران گوی سبقت را از هر حیثیت نسبت بسائرن رنوده بود. چنانچه آثار ایران از کتی که از آنها بدست مانده و محسود شرق و غرب است این نکته را مدال میدارد

هیچ کس نمی‌تواند انکار کند که زمان فارسی زمان گویای سلاض دهلی بود. و تادیرماز در عهد سلطنت اسکیز هم زان عدائی هندوستان شناخته آمد. و تاکنون نیز زمان عادی شرقا و بحیالیه هندوستان و در ذات معاملات استعمال می‌شود. هه زهم با امراء هندوستان جز بزبان فارسی صحبت داشتن حلی از اشکال نیست. از روی مدیت و کنایات شعاری ایران بر کلیه سلطنت های اسلامی درجه اولویت را داراست. بعقیده واقفان رموز هرگاه ایران بقبضه سلطنتی غیر مسلمان در آید رشته جدید زندگی مسلمانان یکدغه از هم خواهد گسیخت. و نتیجه این خواهد شد که دولتین آسریا و آلمان هم یک سلطنت عظیم القدر اسلامی را مانند عثمانی متصرف شوند

مدبران سلف از اسکندر گرفته تا ناپلئون اعظم اوویب و مرکزیت ایران را از هر حیث تصدیق نموده اند. و امروز نیز مدیران کنونی مسلم داشته اند که تصفیۀ آتیۀ عثمانی و هند و چین و روسیه از تصفیۀ امر ایران انجام تواند یافت. ارباب سیر میدانند که در ازمنه قدیم ایران شاه

ایستگاه تجارت عالم بوده و امروزه نیز همین عقیده را سیاسیون مرکوز اذهان خود قرار داده اند که در ایران از شمال بجنوب و از شرق بغرب تعمیر راه آهن اند ضرورت را دارد. و اگر این طرق تعمیر شود علاوه بر ترقیات تجارتی خود ایران تجارت ممالک سائر نیز در ازدياد و ترقی خواهد آمد. عقیده دانایان یکصد و هشتاد و پنج میلیون نفوس اسلامیة این است که عنقریب کشاکش عظیمی در عوالم پلتیک پدید آید. هرگاه جنگ سحتی هم پیش نیاید حادثه بزرگی بظهور خواهد پیوست.

پس از این بیان مشار الیه میگوید از این مقدمات بخوبی استخراج توان نمود که پیش آمد این امور حتمی حلی از اغراض سیاسیة دولت انگلیس هم نتواند بود. چه از (۱۷۵) میلیون (۱۴۲) میلیون تحت رعیتی سلاطین غیر مسلم اند و ازین (۱۴۲) میلیون (۱۱۲) میلیون آن تحت حکمرانان عیسویه و ۳۰ میلیون دیگر تحت حکومت غیر اهل کتاب اند. اسلامیان تقسیم به هفت سلطنت شده که (۳) از آن مسلمان و ۴ دیگر غیر مسلم اند چنانچه در ساهنت انگلیس تخمیناً ۷۸ میلیون مسلم و ۶۲ میلیون عیسوی یعنی ۱۶ میلیون رعایای مسلم انگلیس اشیا بر رعایای عیسوی اوست و اگر بدقت درین تشه ملاحظه شود دیده خواهد شد که بواسطه معیت مسلمانان با دولت انگلیس سلطنت برطانیة استحکام پذیرفته است. هرگاه دولت انگلیس امروزه در مسلمانان خوش نیتی خود را ثابت نکند پس از ترقیات پلتیکی اسلام که حتی الوقوع است اسلامیان را يك گونه نفرت قلبی از اسکلیسات تولید خواهد گردید.

چنانچه چندی قبل ایرانیان با منتهای محبت به اسکلیسات نظر مینمودند، هم مداح آنها بودند و هم کمال اعتماد را به آنها داشتند، ولی درین سفر آخری خود از خلیج فارس گرفته الی ساحل بحر خزر مذاقه نمودم که هر ایرانی بجنس انگلیس بنظر حقارت و نگاه غیر معتمدانه می نگرد، برای تحقیق این امر و بدست آوردن علت آن با منتهای کوشش چنین دانستم که عقیده کلیة طبقات ایران این است که روسیاست دشمن دیرینه ایرانند و دولت انگلیس در سه

۱۹۰۷ که دست اتحاد بروس داد با ایرانیان حبه نمود، چه وقتی که دولت روس دخالت مسلحه در ایران کرد ایرانیان هر قدر استعداد از دولت انگلیس چستند از اجوبه انگلیس جز همراهی بروس چیزی نیافتند

ترجه منجست کاردن

(عقیده مستر ایم. اف. بی لنج)

مستر (لنج) که از رجال محترم با ثروت معتبر با دانش انگلستان و از دیرباز تعلقات اقتصادی در ایران دارد لایحه ذیل را که حاکی از عقاید خود شان است در جراید انگلستان طبع و نشر نموده در این مقام ترجه آنرا بی مناسبت ندیدیم

مستر (لنج) میگوید از وقتی که در ایران سلطنت قانونی برقرار آمده از بیان عقاید خود در حق ایران کف نفس نمودم چه هر قوم و ملتیکه یا به تجدید می نماید برای ابراز قابلیت و لیاقت اورا باید مهلت داد و از دور نگران حرکت و سکنات او شد خصوصاً به ملتیان ایران که از وقتی قدم بمجاهد محدد نهاده متمنی همدردی و همراهی از عامه آزادی مشان اروپا شده اند. شت نیست که برای تحویل حال و تبدیل استقبال يك مملکت بیقانون در دائره قون و امت و مهلتی درکار است. اینک که دولت جدید ایران در پیشرفت تجدید تا درجه ابراز لیاقت و قابلیت داده باظهار عقاید خود می پردازم گویا امروز وقت آن رسیده باشد که در همایه صاحب نفوذ ایران با دولت جدید اظهار همدردی نمایند و موقع آن آمده است که دولتین مواعید خود را که پس از امضای عهد نامه بدولت ایران داده اند بموقع اجرا آرند، دولتین پس از امضای عهدنامه بدولت ایران چنین یاد داشت پیش نمودند «دولتین از دولت ایران خواستگار هیچ چیز نیستند و ایران در ترقیات امور ملکی خود آزاد است. دولتین را ازین عهدنامه عرض آن نیست که حمله بخاک ایران نمایند بلکه برای ترقیات ایران بدان همه گونه تأیید حاضرند، ایران باید بخودی خود در ترقی خویش تلاش نماید»

حالا من سئوال میکنم که آیا این دو همسایه در خصوص تأیید به ترقیات ایران کدام طریق را اختیار نموده اند که تصدیق نماید مواعید آنها را؟

شک نیست که دولت ایران را ضرورت وجه بود و در این موضوع بحث نمیکنم که شروط دولتی برای دادن وجه بایران زاید الوصف سخت بود. با این همه دولت ایران با آن قلت مالیه شروع به اصلاحات داخلیه نموده و از دول دیگر هم استقراض نمود که مبادا اسباب سازش پلتنی گردد. با آن خرابی مالیه دولت جدید تاکنون خیلی کار کرده است. چنانچه در طهران (۲۰۰۰) قشون جدید بطرز اروپا ترتیب داده علاوه بر بریکارد قزاق امروزه در طهران رژیان های چند با اسلحه های صحیح موجود است. رحیم خاں شرور را بقوه قاهره مجبور به فرار در خاک روس داد و از فدائیان با کمال قوت نزع سلاح نمود

خدماتیکه سردار اسعد و مختاریان در عالم مجدد ایران نموده اند قابل انکار نیست همین قدر میگویم که بروز قابلیت را در ایرانیان ظاهر ساخته و نوید بحسن استقبال ایران میدهد

ارباب حل و عقد ایران تسلیم کرده اند که امروزه در ایران کسیکه از امور اصلاح ادارات واقف باشند موجود نیست و از این رو تصفیه نمودند که از خارجه اشخاص مامر بایران جلب نموده تا رفته رفته جوانان ایرانی در زبردست آنها تجربه آموخته برای آئینه ایران کسب لیاقت نمایند. و این عقیده ارباب حل و عقد ایران را یجا نمیتوان گفت چه مقدونیا برای اثبات این مدعا بهترین نظیر است. بواسطه تعویبیکه در انجام این امر پیش آمد. اهالی ارباب بسدا و روزنامه جات عجله در استخدام خارجیان کرده از بحرف رؤسای روحانی ایران نیز تلگرافاً باصلاح ادارات حکم نموده وزراء جدید بطریق قانون این مسئله را بمجلس شورا پیش کردند. امید است که دولتی روس و انگلیس ایرانیان را درین موضوع تأیید نموده مشوره به استخدام مشاورینیکه نافع بحال آنان باشد بدهند

از این مقدمات بخوبی ظاهر میشود که دولت جدید برای انجام اصلاحات دارای قابلیت و لیاقت می باشد و حل این همه مسائل مشکله کار آنها بود. ولی این هم از مسائل قطعیه است که تا وقتیکه قشون روس در ایران موجود باشد دولت جدید از روی اطمینان قلب نمیتواند بانجام اصلاحات ملکی

به بردازد - من میتوانم نظائر بسیار بیان کنم که موجودی قشون روس در شمالی ایران نتایج یکو برای انگلیسان نتواند بخشید. جای تاسف اینجاست که آنچه سابقاً از عده قشون روس کاسته شده بود مجدداً بر آن افزوده شده است. با اینکه دولت روس خود مقرر است که وقت آت رسیدن قشون خود را از ایران خارج نماید. فقط به پیش کردن شروط مشغول بمکاتبات گردیده است. شروطی را که دولت روس برای اخراج قشون خود پیش نموده یکی امتداد در امتیاز کار کردن معدن من ساوجبلاغ است. تا جائیکه تصور میشود دولت ایران را درین باب عذری نباشد. ولی این خواهش با آن اعلان رسمی که دولت روس روز دوم ورود قشون خود به آذربایجان داده منافی است. قونسلات دولتی روس و انگلیس به تعلیقات دولت خودشان وارد به انجمن ایالتی تبریز شده پس از اظهارات همدردی بیان نمودند « قشون فقط برای رساندن آذوقه به تبریز و حفظ آمان از غارت وارد میشود و این از قیام امنیت بدون هیچگونه شرطی خارج خواهند گردیده با این بیانات حالا چگونه دولت روس در اخراج قشون خود شروط پیش مینماید. جای تعجب است خصوصاً در موقعیکه قونسل انگلیس هم در این اطمینان دادن به انجمن ایالتی شرکت داشته و اینک بر صداقت و درست کاری مالک وارد می آورد. دولت ایران کمال اعتماد را به دوهمایه خود روس و انگلیس دارد در صورتیکه آمان خلل اندازی در امور داخله وی نمایند و امید میکنم که دولتی ابرار بحال خود گذارند تا مقاصد خویش را انجام دهد -

اوضاع کنونی و سادگی ایرانیان

آورده اند که ساده لوحی که گویا مازندران بوده بعد از عمری که از ده و خانه خود خارج نشده بود بواسطه ظلم دیوانیان با سایر رعایا لازم طهران و در خانه که منزل داشت دید صاحب خانه ظرف را در تابو وضعی میکرد آب بیرون می آورد. خود کنت عجب وضعی است که در این ظرف باید ندم باشد از صاحب خانه برسد گفت این خم است به تابو. چون خوشش آمده بود وقت رفتن خمی خریده بود همراه بیعتش گفت سوغات

خوبی آورده ام هر دو با هم خرا آب کرده سر او را گرفته وقت حاجت خود طری برداشته سر خرا بلند کرد که آب بردارد دید یکفر هم در حرمه طری در دست دارد فریاد زد که صعیبه زود بیا کت بکن که یکدر آمده در حرمه قائم شده و صری در دست دارد ، صعیبه دید نگاه کرد فوراً گفت ای مرد ملتفت نشدی که زش را هم همراه آورده هر دو زن و مرد با هم در حرمه نگاه کرده دیدند بحج و صی است که یکمرد و زنی هم در حرمه میباشد مرد اوقاتش آج شد دست را حرکت دده دست مرد که آیمتی در خانه من آمده دید که فوراً آهم دست حرارت میدم که تو ایست آخر مرد زبده شده زحمت زیاد شده چه را که از آباء و اجدادش وارث برده بود آورده میگویی این چه مال من است و ایهم قبایه دید مرد در حرمه یک قبایه ملدی مثل خودش در دست گرفته ، هر چه این میگویی آخه آخر منک اناء و اجدادی شش هزار سینه من است ، آهم میدوید آخر آهسته آهسته مرد در حرمه نشاود زش رگت یک سبکی از ویده دست من ~~که~~ بر سر این سبب ملکه برود ، ضعیبه هزار ترس و زور سبکی پیدا کرده پایش پواش که صدای پایش را حسره اشود بش مرد آورد ، مرد قوت زده و توی توده اعتراف دشمن (که مرد تو حرمه باشد) برآب زد ، وئی و باله را در دست دیگرش محکم گرفته بود ، که ناگاه حرمه چیدن پارچه شده هر پارچه با قدری آب روی رو فرار گرفت ، اول که حرمه شدت زن و مرد خوشحال شده که مدعی چه را بیرون زدیم ، ناگاه چشم هر دو به پارچه های حرمه شدت افتاده دیدند که در هر پارچه یک مردی با یک قبایه در دست و یک زن ایستاده در آنها ، دیگر مرد ، اوقات باورده دست زن را گرفته گفت صعیبه هیچ بهتر از حفظ ناموس هست آنل باید تو را برداشته از خانه بلکه از این شهر بیرون برم زیرا که وقتی یک زن و یک مرد و یک قبایه بود ما چاره نکردیم ، حالا که هر طرف نگاه نکنیم قبایه در دست ایستادند الله خانه مال آنهاست و نخواهند گذاشت ما با هم تا بیشتر نشده اند باید

گریخت ، همان آن ضعیبه را برداشته هراسان و دوان از خانه بیرون رفته تا هر کوجه که هنوز درب خانه پیدا بود دزدیده نگاه بعقب میکرد که مبادا صاحبان خانه عقب او آید ، وقتی از کوجه گذشتند ضعیبه گفت بدو که مبادا پور مارا بردارد و عقب ما آید ، همسایه های شمال و جنوب خانه که از اول و آخر اردورنه های که خودشان تشکیل داده بودند مشغول باشا بودند فوراً نگاه ریخته تصرف نمودند بینه در دنیا تاریخ تجدید میشود ، ناموس برستی سایر اهالی ایران که بهتر از مار برداری نخواهد بود

حکایت ابراهیم
(سر از روزنامه مجلس)
(صاحب شمان)

تأثر حمت يك مملکت و زوئی عدم نفوس يك ملت در نظر سیاسی مدخلیت کلی در اعتبار و حیثیت و شئون آن مملکت و مات دارد و هر قدر سون يك مملکت بیشتر باشند همسایگان آن نقطه و سایر دول که با آنها عرف معامله و روابط هستند بیشتر ملاحظه کرده و با هر عصمت و نفوذ به آنها نظر میکنند و ناممکن هر قدر عدم نفوس شان کمتر رشد اعتبار و عظمت و عود آنها کمتر گردیده و چندان سرف اعتنا و ملاحظه واقع نخواهد شد دولت چن امروره تقریباً اتمام دول ارتوقی و تمدن دور تر ، در میدان مبارزه حیثیت از همه مال عقب تر است ، اهالی گرفتار نادانی و جهالت اصول حکومت آیه و مدرس - اسلحه جنگی خیلی قدیمی و بیچاره - زوت عمومی نهایت قابل و غیر معتنا ، تمدن جدید هنوز يك قدم درست در چین نه نهاده و آثار اروپا در آنجا بروز کرده - میندا تمام دول عالم با سر زوئی و عظمت بدو نگاه و حفاق چن را فرزند آسمان میخوانند و هر يك اردول معتلمه در ورود و هود بحاکم چین بر میدیگر سبقت میجویند و فی الحقیقت تا کتون هیچک از دول حرثت کرده اند يك قطعه از خاکشرا ، تصرف شوند ، مگر بعضی جزائر کوچک که از مرکز خیلی دور بوده و در مامدات به بعض دول تعلق گرفته حتی ژاپون با وجود مخارج کزاف و تعدیه اموال و نفوس بحساب ناچار شد ~~که~~ اقرار بحاکمیت و مالکیت چین در مابجوری بنماید -

واضح است که سبب این قدر ملاحظه و اهمیت هانا کثرت نفوس و ازدیاد جمعیت این مملکت وسیع است و هرگاه نفوس بندر (کره) یا در مقابل (کره) می بود تا حال حیات استقلالیش خانه یانه و مثل (کره) بیک دولتی ملحق یا بین دول معظمه تقسیم می شد.

ملتی که صاحب نفوس زیاد نیست هرگز طرف اعتبار واقع شده و دول سه اثره دندان طمع در تسخیر آن تیز نمیکند و از هیچ چیز مانع ندارند مثل آنکه اهالی ترانسوال و (ارانتز) نام خود برت و شامت حارق عادت گرفتار بحر رحمی نگاه گردیده و بعد از سه سال جنگهای خونریزانه عاقبت اسیر دست اجاب شدند

اگر حقوق ملل و معاهدات دول در عالم اروپا دارای اثری باشد و نمائک کوچک را مثل بلژیک و هاند و سوئد و پروژ و سیرها را لحاظ کنند بر شبه در آسیا و افریقا مثل اری سوده و بقاء حیات و ثناء یک ملت موقوف سوت و قدرت خود ملل خواهد بود. هر دولتی که صاحب یک قوه کافی باشد مصون مانده الا مفرور و معیوب ملل اروپا خواهد گردید اثر جمعیت و زیادی نفوس مانع منشاء یک قوه حافیه است که اگر باقی هم نداشته باشد ناقوه میتواند تدارک آید و نمائک خود را محافظت نماید

معلوم است ملت چن که صاحب چهار صد میلیون نفوس است وقتی استقلالش را در دست دید اگر از هر صد هر یک هر تحت سلاح رفته و حاضر جنگ شود در هر یک میلیون ده هزار هر مرد جنگی فراهم خواهد شد و در چهار صد میلیون هر آیه چهار صد ده هزار حاضر خواهد گردید که عبارت از چهار میلیون یا هشت کرور نفس باشد. و بدین است که اعدام و افتاء هشت کرور آدم اندر کار بزرگی است که هیچ دولتی حرث نمیکند بپراون آن گردیده و اقدام بسنیز و جنگ با یک چنین عده مهیب ننماید. و بدین واسطه مملکت مزبور هر قدر هم وحشی و دور از اوضاع تمدن حاضر باشد محفوظ خواهد ماند و اسیر دست اغیار نخواهد گردید.

ایران که وطن عزیز ما است از این حکم کلی طبیعی خارج نمی تواند بشود و قهرآ کمی و زیادی سکنه اش در عزت و ذلت و عظمت و حقارتش مدخلیت کلی دارد.

نسا بر این نهایت آمال و آرزوی هر ایرانی باطالع آنست که اهالی و شش زیاد بوده و بدین واسطه محل ملاحظه و قابل اعتناء گردند و بتاس دشمنان ما همیشه میخوانند ایران را تار و پاز و که جمعیت حلوه داده از عدمت و برتری بگنند بعضی اروپائیان سیاحتگر هم اگر چه بهرش باشند اما بواسطه آنکه چند رهزی در هر شهری از بلاد ایران بیشتر توقف میکنند و تالی از اوضاع بچینند و دهات اصراف و قبایل و عشایر مرور می نمایند طبعاً زحمتات دور ماند. از روی حدس و تخمین يك عدد تعیین میکنند که از واقع بی اندازه دور است و دل سوخته هم ندارند که جمعیت ایران کم شود باز از یک خط نیز دور کرد. در از سایر خصوصاً اصلاح مانده سیر یک سدوی نزدیک و برور از نفوس ایران اندر گشته اند که عده تمام این نمائک و جمعیت را که چهار برابر نمائت فرانسه است هشت میلیون رسانیده و مصفهان شان ده میلیون گشته. بر ایران هم متحرک هم حرقه قرارداده و يك تات اضافه کرده پس زور میدهند و این رقم را منتهای جمعیت ایران تصور میگردند

ما چندی قبل نخبال آیین نفوس اقتصاد و بصیرت سیمقانه باذراف و حواب مسئله افکنده و اصلاحات و ملاحظات خود را با تات حفرانها تصبیق کرده بالاخره باین نتیجه رسیده که در عده نفوس ایران فرسنگین محض رفته و در عوض رقم بی میلیون هشت میلیون نوشته اند. بی از آنکه مبنای سرشماری فرنگیا است که شهرهای ایران را بحدس تعدید کرده و در کتب و دست نوشته و بعد این عده ها را با هم جمع کرده اند. مثلاً جمعیت اصفهان را هشتاد هزار و کاشان را بیجا هزار و قم را سی هزار و عراق را چن هزار و هکذا سایر ولایات قلم داده و مجموع این ارقام را مجموع نفوس ایران می گفتند. در صورتیکه اغلب شهرها دهات وایل زید دارند که عده آنها دو برابر شهر و تالیح مقابل شهر و زیادتر است.

فرضا عراق چهار بلوک دارد و هر بلوک دویست و پنجاه الی سیصد ده دارد ~~سکه~~ متوسط نفوس هر یک پانصد نفر و عدده مجموع یک کرور بدون عدده اهل شهر است، و بدین ترتیب اگر تمام نقاط را تعدید کنیم البته همان سی میلیون میشود چنانکه در تمام کتب جغرافیا نفوس زنجان و خه را پنجاه هزار مینوشتند و امروز که سرشماری صحیح بعمل آمده و کتابچه کرده اند عدده ~~سکه~~ آنها پانصد هزار نفر بحساب آمده، همه کس میداند که ایران از قبیل خه خیلی شهرها دارد ~~سکه~~ یقیناً سکنه آنها کمتر از سکنه خه نیستند بلکه زیاد ترند و ضرر ندارد که محض ثبوت و اثبات مدعی چند عدد از آنها را ذیلاً یاد داشت کنیم:

خه - قزوین - همدان - کرمانشاهان - سنندج - رشت - بامرفروش - عراق - یزد - ولایات ثلاث (ملایر نهند و دولت آباد) - بنادر خلیج فارس - شوشتر و دزفول - بروجرد و خرم آباد - استراباد - ساری و مشهد سر - و بندر جز - این پانزده نقطه هر کدام دارای یک کرور نفوس بی شبهه هستند، زیرا که هیچکس کمتر از خه نیستند، وقتی ثابت شود که خه یک کرور نفوس دارد البته درباره آنها نیز ثابت خواهد بود، نمره شهر دیگر هم داریم که عمره اول بزرگتر از بلاد فوق بوده که نسبت هر یک از آنها ببلاد فوق مثل نسبت پنج بدو است، مثل طهران و اصفهان و عدده این دو شهر بترتیب مزبور پنج کرور خواهد شد که جمعاً بیست کرور باشد نمره دوم بلادی است که کوچکتر از مذکوراند مثل قو، وکاشان و کروس و آمل و لاهیجان و انزلی و سمنان و دامغان و شاهرود و نصرت آباد و اسداباد و بندر عباس و ناصری و اهواز و غیره و غیره و بعلاوه آنچه ذکر شده ایران دارای چهار استان بزرگ است - کرمان - فارس - خراسان - آذربایجان که هر کدام در عالم خود بمنزله یک ~~سکه~~ و ریاده از بیست نقطه حاکم نشاء دارند - تمام دارای شهرهای حسابی اند مثلاً در - و نیشابور و تربت و قوچان و حام و - چند و دره جز و غیرها و در آذربایجان تبریز و قوی و سلهاس و اردبیل و ارومیه و سراب و ساوجبلاغ و

میان دو آب و غیرها تنها دره پناه این چهار ایالت کرمان مغروبه و قلیل النفوس است. با این حال کرمان بنا بر سرشماری اخیره مقتصد و پنجاه هزار نفوس دارد. پس باید فارس و خراسان و آذربایجان هر کدام پنج شش کرور نفوس را دارا باشند، و یکقرینه دیگر آنکه آذربایجان ده برابر خه است، وقتی خه یک کرور داشته باشد البته آنها نمیتواند کمتر از پنج شش کرور دارا شود

فاضل معاصر جرجی زیدان در کتاب تاریخ تمدن اسلامی عدده نفوس عشار و ایلات ایالت فارس را در زمان عباسیان ده میلیون نفوس میشمرد و این حرف هر قدر اغراق داشته باشد باز تا درجه کثرت جمعیت این نقطه را ثابت مینماید، و ملاحظه همان تنها ایل قشائیکه باختلاف از صد هزار تا شصت هزار خانوار گفته میشود که هر خانواری اقلاً سه چهار نفرند در کشف حقیقت کافی است

بهر حال عقیده ما بر آن بود که ایران شصت کرور نفوس دارد ولی مشکل بود برای اشخاص لاجوج این ادعا را ثابت کنیم تا امروز که از چندین بلاد معتبره کتابچه های احصایه شان رسیده و خیلی با عقیده قدیمی مان موافقت دارند - برای آنکه وطن خواهان از عدده نفوس وطنی خود آگاه شوند و نیز زحمت مأمورین دولت از شماره آیه در ذیل صفحات روزنامه یکی یکی از این دفاتر احصایه را طبع و نشر مینمائیم که بعد از انعام بهترین کتاب جغرافیای صحیح وطن عزیز ما گردیده و بعالم تاریخ نیز خدمتی بسزا بوده باشد، و امیدواریم که آخرین نتیجه این دفاتر همین جله باشد که ما با کمال افتخار مینویسم

(عدده نفوس ایران سی میلیون است)

ظلم فاحش بل افحش

سید ابو تراب نام بر مرحوم حاجی سید مهدی گادرونی عرض مینماید ترحماً و تفضلاً شرح حالش در روزنامه مقدس درج و از قصه بر عهده اش اهل وطن و مشروطه خواهان غیور استماع نمایند تا مزید عبرت و سبب فکرت هموطنان عزیز گردد و معلوم شود چه طور مردان غیور مقربین ظالم الصلاح سامری طینت در ملکشان پیدا می شود همه هم آواز مرحبا و تحسین می گویند، حاجی سید مهدی